



بوروکراسی علیه تولید



نوسان در مرز ۳.۲ میلیون واحد



بازارهای تازه برای نفت ایران



ناگهان پرسپولیس!



۹میلیارد دلار در مسیر بی‌بازده خودرو

نگاهی به شاکله اصلی صنعت خودروی کشور بیانگر این واقعیت است که وابستگی شدید به واردات قطعات و فناوری...

صفحه ۲

تشکیک در آمار تورسم

ارشک مسائلی، کارشناس گردشگری، در گفت‌وگو با اشاره به ضعف نظام آماری و حساب‌های اقماری گردشگری...

صفحه ۴

اماواگرهای خصوصی سازی گمرک

«طرحی برای ساماندهی و اصلاح گمرکات کشور تهیه شده که یکی از محورهای اصلی این ساماندهی...

صفحه ۶

بوروکراسی علیه تولید

کریم حسن پور – فعالیت‌های تولیدی و صنعتی نقش محوری در توسعه اقتصادی و ایجاد اشتغال در هر کشور ایفا می‌کنند. بسیاری از دولت‌ها برای تقویت این بخش، مشوق‌ها و حمایت‌های ویژه‌ای در نظر می‌گیرند.

واحدهای تولیدی و صنعتی با چالش‌های متعددی مواجهند که فعالیت آنها را تحت تأثیر قرار داده و توسعه این بخش را محدود کرده است. هزینه‌های بالای مالی و بیمه‌ای، پیچیدگی قوانین، محدودیت در بهرمندی از مشوق‌های قانونی و نبود شفافیت در اجرای مقررات، برنامه‌ریزی و مدیریت منابع را برای کارفرمایان دشوار کرده است. در نتیجه، ریسک فعالیت در بخش تولید افزایش پیدا کرده و توان رقابت پایدار و عادلانه بنگاه‌ها کاهش یافته است.

علاوه بر این، مشکلات مربوط به نحوه حسابرسی، ارائه خدمات بیمه‌ای و محدودیت در استفاده از معافیت‌ها و تسهیلات قانونی و مالیاتی، فشارهای اقتصادی و عملیاتی زیادی بر تولیدکنندگان تحمیل کرده است. در چنین شرایطی، شناخت دقیق سازوکارهای مالیاتی و بیمه‌ای و بررسی چالش‌های پیش‌روی فعالان صنعتی، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. چرا که این شناخت می‌تواند درک واقع‌بینانه‌تری از وضعیت بخش تولید و تأثیر آن بر اقتصاد کشور ارائه دهد.

گلایه تولید کنندگان از شیوه اخذ مالیات

آرمان خالقی، عضو کمیسیون مالیات، کار و تأمین اجتماعی اتاق بازرگانی ایران، در گفت‌وگو با «دنیای اقتصاد» درباره تأثیر افزایش هزینه بیمه و مالیات بر جذب نیروهای جدید در واحدهای تولیدی و صنعتی توضیح داد: افزایش هزینه‌های بیمه برای کارفرمایان در سال‌های اخیر عمدتاً ناشی از رشد دستمزدها بوده است. در واقع، تعرفه بیمه جدیدی وضع نشده و نرخ‌های بیمه نیز تغییر خاصی نداشته‌اند و چون مبنای محاسبه حق بیمه میزان حقوق و دستمزد است، با هر افزایش دستمزد، هزینه بیمه نیز به همان نسبت بالا می‌رود. از این‌رو کارفرمایان، این بخش را جزو هزینه‌های ثابت بنگاه در نظر می‌گیرند. در اغلب صنایع، سهم دستمزد با قیمت تمام‌شده محاسبه می‌شود که این سهم بین ۳ تا ۱۲ درصد متغیر است. در حوزه بیمه تأمین اجتماعی، کارفرمایان انتظار دارند کارگر بیمه‌شده از خدمات درمانی، بازنشستگی و سایر مزایای بیمه‌ای مناسب و در شأن برخوردار شود. در صورت تحقق این خدمات، کارفرما نیز پرداخت حق بیمه را منصفانه تلقی می‌کند.

او افزود: در حوزه مالیات، نگرانی‌ها بیشتر به عدالت مالیاتی بازمی‌گردد. تولیدکنندگان معتقدند مالیاتی که پرداخت می‌کنند باید بر اساس درآمد واقعی و دفاتر رسمی آنها محاسبه شود. در حالی که در عمل، فعالانی که بدون شناسه مالیاتی فعالیت می‌کنند یا از پرداخت مالیات طفره می‌روند، هزینه کمتری در تولید دارند و در نتیجه، قدرت رقابت بالاتری نسبت به بنگاه‌های رسمی پیدا می‌کنند. این مساله موجب نارضایتی مؤدیان شفاف و افزایش احساس بی‌عدالتی در میان تولیدکنندگان می‌شود.

چالش‌های تولید کنندگان با تأمین اجتماعی

خالقی درباره مشکلات کارخانه‌ها و کارگاه‌ها با سازمان تأمین اجتماعی توضیح داد: یکی از مهم‌ترین چالش‌ها، قطع خدمات بیمه‌ای کارگران در صورت تأخیر کارفرما در پرداخت حق بیمه است. کارفرمایان معتقدند که کارگر نباید به‌خاطر مشکلات نقدینگی کارفرما از حقوق بیمه‌ای محروم شود و سازمان می‌تواند هم‌زمان جریمه دیرکرد اعمال کند، بدون اینکه خدمت‌رسانی متوقف شود. هرچند در سال‌های اخیر، نگاه اصلاحی شکل گرفته، اما برای تحقق عملی آن لازم است مقررات و آیین‌نامه‌ها به‌روز رسانی شوند تا امکان استمرار خدمت‌رسانی فراهم شود. موضوع دوم، نحوه مدیریت و سرمایه‌گذاری منابع مالی تأمین اجتماعی است. این منابع متعلق به دولت

نیست و از پرداخت‌های کارفرمایان و کارگران تأمین می‌شود، بنابراین باید با دقت، شفافیت و رویکرد اقتصادی پایدار اداره شوند. با این حال، بدهی انباشته دولت و واگذاری شرکت‌های زیان‌ده با فاقد توجیه اقتصادی به سازمان تأمین اجتماعی، بنیه مالی آن را تضعیف کرده و می‌تواند پایداری منابع بیمه‌ای را در میان‌مدت تهدید کند.

خالقی درباره وضعیت مشوق‌های مالیاتی مرتبط با واحدهای تولیدی و دفاتر قانونی شرکت‌ها از سوی ممیزان مالیاتی است. در صورتی که دفاتر مالی به‌درستی تنظیم و تایید شوند، معافیت‌ها و تسهیلات پیش‌بینی‌شده در قانون، قابل محاسبه و اجرا خواهد بود. به‌عنوان مثال، در مالیات ارزش افزوده، برخی معافیت‌ها به‌صورت اعتبار مالیاتی لحاظ می‌شوند. به این معنا که بنگاه‌ها می‌توانند مالیات پرداختی در دوره‌های پیشین را از بدهی مالیاتی دوره‌های بعد کسر کنند. پیش‌تر این روند در عمل امکان‌پذیر نبود، اما اکنون سازوکار آن در نظام مالیاتی تعریف شده است. به‌عنوان نمونه، واحدهای تولیدی هنگام خرید تجهیزات می‌توانند از معافیت مالیاتی برخوردار شوند و در دوره مالیاتی بعد آن را با مالیات پرداختی خود تهاثر کنند. همچنین، شرکت‌هایی که در شهرک‌ها و صنعتی فعالیت دارند، از معافیت ۱۵ ساله مالیاتی برخوردارند. البته به شرط آنکه دفاتر مالی خود را به‌موقع ارائه دهند و مورد تایید ممیز قرار گیرد. در صورت رد دفاتر، این معافیت‌ها اعمال نمی‌شود.

تأخیر در اجرای قانون تفکیک

این عضو کمیسیون مالیات، کار و تأمین اجتماعی اتاق بازرگانی ایران در ادامه گفت: مساله مهم در حوزه مالیات و تأمین اجتماعی، بحث استقلال نهادهای رسیدگی کننده به اختلافات مالیاتی و بیمه‌ای است. طبق قانون برنامه توسعه، باید دادرسی مالیاتی و دادرسی تأمین اجتماعی از ساختار سازمان امور مالیاتی و سازمان تأمین اجتماعی جدا به‌صورت مستقل زیر نظر قوه قضائیه فعالیت کنند. اجرای این تکلیف قانونی تاکنون با تأخیر همراه بوده و حدود چهار تا پنج ماه از مهلت تعیین‌شده گذشته است. در حال حاضر، اتاق بازرگانی، تشک‌ل‌های کارفرمایی و نمایندگان بخش خصوصی پیگیر اجرای هرچه سریع‌تر این آیین‌نامه هستند تا روند رسیدگی به اعتراضات مالیاتی و بیمه‌ای به‌صورت شفاف، منصفانه و در یک مرجع مستقل انجام شود.

شفافیت مطالبه بخش خصوصی

این فعال بخش خصوصی درباره انتظارات کارفرمایان در بحث اصلاح نظام مالیاتی و بیمه‌ای گفت: نظام مالیاتی کشور باید به‌گونه‌ای سامان یابد که تمام فعالیت‌های اقتصادی قابل‌دبایی و شفاف باشند تا زمینه‌ها فرار مالیاتی از بین برود. هدف اصلی این است که وابستگی بودجه به درآمدهای نفتی کاهش یابد و هزینه‌های جاری دولت، از جمله حقوق کارکنان، از محل درآمدهای مالیاتی تأمین شود. اما در عمل، به‌دلیل ضعف در شناسایی و رصد اقصاد پنهان، فشار مالیاتی بیشتر بر بخش‌های رسمی و شناخته‌شده وارد می‌شود. در نتیجه، شرکت‌ها و بنگاه‌هایی که شفاف فعالیت می‌کنند، بار اصلی مالیات را به دوش می‌کشند، در حالی که بخش‌های غیررسمی از پرداخت آن فرار می‌کنند. تلاوم این وضعیت باعث ناعادلانه شدن توزیع بار مالیاتی و تضعیف انگیزه در بخش تولید می‌شود. بنابراین، ضروری است با گسترش شفافیت، دیجیتالی‌شدن نظام مالیاتی و تبادل اطلاعات میان نهاده‌ا، پایه مالیاتی واقعی کشور تقویت شود تا فشار از روی فعالان

اقتصادی رسمی برداشته شود.

او درباره راهکارهای اصلاح نظام مالیاتی و بیمه‌ای تصریح کرد: یکی از موضوعات مهم، ضرورت بازبینی مقررات در سازمان‌هاست. سازمان تأمین اجتماعی اخیر در این زمینه گام‌های مثبتی برداشته و بخش قابل‌توجهی از مقررات خود را که با یکدیگر در تضاد یا تناقض بودند یا باعث کندی اجرا می‌شدند، مورد بازبینی قرار داده است. همین اقدام باید در سازمان امور مالیاتی نیز انجام شود تا قوانین و آیین‌نامه‌هایی که با هم هم‌پوشانی یا تعارض دارند، باالایش و یکپارچه شوند. در حال حاضر حجم مقررات و آیین‌نامه‌ها بسیار بالاست و در بسیاری موارد پیچیدگی آن مانع اجرای درست قانون می‌شود. هدف باید این باشد که قوانین از حالت مچ‌گیرانه خارج شده و به سمت خوداظهاری و شفافیت پیش بروند.

ماده ۹۷: گامی به‌سوی شفافیت

عباس جلیل‌بازری، عضو کمیسیون صنعت اتاق بازرگانی ایران، در گفت‌وگو با «دنیای اقتصاد» درباره وضعیت اخذ مالیات از واحدهای صنعتی توضیح داد: موضوع مالیات چارچوب مشخص خود را دارد. بر اساس قانون، واحدهای تولیدی و صنعتی موظفند ۲۰ درصد از سود خود را به عنوان مالیات بر عملکرد پرداخت کنند. همچنین در بخش مالیات ارزش افزوده، این واحدها صرفاً نقش وصول‌کننده را دارند و ۱۰ درصد مالیات را از خریداران دریافت می‌کنند. نظام مالیاتی ایران، برخلاف بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه، هنوز ممیزمحور است و در آن کشورها نظام مالیاتی مبتنی بر ریسک اجرا می‌شود. به این معنا که همه مؤدیان موظفند اظهارنامه مالیاتی ارائه دهند، اما تنها بین ۲ تا ۵ درصد از این اظهارنامه‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرند و حدود ۹۵ درصد آنها بدون دخالت ممیز و بر اساس اعتماد و شفافیت تایید می‌شوند. به این ترتیب، فرآیند مالیات‌گیری در آن کشورها عادلانه‌تر و شفاف‌تر است.

او با اشاره به ماده ۹۷ در قانون مالیات گفت: از سال ۱۳۹۴ با اصلاح قانون مالیات، مادای تحت عنوان ماده ۹۷ به این قانون اضافه شد. بر اساس این ماده، سازمان امور مالیاتی می‌تواند اظهارنامه مؤدیان مالیاتی را بدون رسیدگی بپذیرد و بر مبنای آن، برگ قطعی وصول مالیات را صادر کند. با این حال، اجرای این ماده تا مدت‌ها متوقف ماند و از سال ۱۴۰۲، اجرای آن به‌صورت تدریجی و پلکانی آغاز شد. بر اساس اظهارات مسوولان سازمان امور مالیاتی، حدود ۳۰ درصد از اظهارنامه‌های عملکرد سال ۱۴۰۲ اشخاص حقوقی، بدون نیاز به رسیدگی، مورد پذیرش قرار گرفته و بر اساس همان اظهارنامه‌ها، برگ قطعی صادر شده است. این اقدام گامی مثبت در راستای اعتمادسازی و شفافیت مالیاتی محسوب می‌شود. هرچند هنوز تا تحقق هدف ۹۰ درصدی فاصله قابل توجهی وجود دارد. سیستم ممیزمحور فعلی باعث شده بعضی هزینه‌های واحدهای تولیدی رد و بعضی دیگر تایید شوند، این امر به بنگاه‌های تولیدی آسیب جدی وارد کرده و در میان‌مدت باعث کاهش اشتغال و تولید می‌شود.

سقوط نرخ تشکیل سرمایه

این فعال بخش خصوصی درباره وضعیت سرمایه‌گذاری اظهار کرد: در شرایط اقتصادی کنونی و بر اساس گزارش شاخص مدیران خرید (شاخص) طی ۱۸ ماه متوالی نرخ شاخص تشکیل سرمایه ثابت زیر ۵۰ درصد بوده است. رقمی که نشان‌دهنده کاهش سرمایه‌گذاری در بخش تولید است. پس از دوران جنگ نیز وضعیت سرمایه‌گذاری بدتر نشده و در شرایط فعلی ضروری است با ارائه مشوق‌های لازم نظیر کاهش نرخ مالیات بر عملکرد، هزینه بنگاه‌های تولیدی کاهش یابد تا سرمایه‌گذاری و اشتغال در کشور تقویت شود.

جلیل‌بازری درباره مشکلات واحدهای تولیدی با سازمان تأمین اجتماعی گفت: یکی از چالش‌های اصلی فعالان اقتصادی، نحوه عملکرد این سازمان است که به‌جای حمایت از تولید، به مانعی برای آن تبدیل شده است. سازمان تأمین اجتماعی طبق قانون باید فقط از لیست حقوق و دستمزد بازرسی کند، اما در عمل حسابر‌سی‌های غیرقانونی انجام می‌دهد و برای هزینه‌های غیرمشمول نیز حق بیمه مطالبه می‌کند. این اقدام فشار زیادی بر تولیدکنندگان وارد کرده و حتی موجب کاهش اشتغال شده است. او با اشاره به انحصاری بودن ساختار تأمین اجتماعی تاکید کرد: تا زمانی که نظام بیمه‌ای رقابتی ایجاد نشود، این مشکلات ادامه دارند. در کشورهای توسعه‌یافته، رقابت میان بیمه‌ها باعث بهبود کیفیت خدمات و عدالت در وصول حق بیمه شده است. حسابر‌سی‌های غیرقانونی و دریافت حق بیمه از هزینه‌های غیرمشمول، از مهم‌ترین موانع تولید در کشور به شمار می‌رود.

▼ طرح گازسوزی خودروها در آزمون استقبال عمومی
شرکت ملی بخش فرآورده‌های نفتی ایران در اطلاعیایی از آغاز طرح تبدیل رایگان خودروهای شخصی مدل ۹۴ و بالاتر خبر داد؛ یعنی خودروهایی با ۱۰ سال کارکرد حالا می‌توانند به‌طور رایگان گازسوز شوند. خودروهایی که حالا گام‌به‌گام به فرسودگی نزدیکتر می‌شوند. به‌نظر می‌رسد که دولت در اجرای طرح‌های تشویقی برای گازسوزکردن خودرو یک گام جلوتر رفته‌است. اول شهریور ماه امسال مدیرعامل شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی ایران از آغاز ثبت‌نام تبدیل رایگان خودروهای شخصی نزنین‌سوز به دوگانه‌سوز با مدل ۹۷ به بالا خبر داده بود. اما در طرح جدید خودروهای بالای مدل ۹۴ در نظر گرفته‌شدند که خودروهای بیشتری را شامل می‌شود. در این مورد می‌توان دو سناریو را مطرح کرد؛ یا طرح قبلی موفق بوده و دولت حالا می‌خواهد محصولات بیشتری را گازسوز کند و یا استقبال کافی از طرح قبلی انجام‌نشده و حالا سیاستگذار سعی کرده با بزرگ‌ترکردن بازه شمول طرح، خودروهای بیشتری را جذب کند. تحلیل روندها نشان می‌دهد که احتمال سناریوی دوم بیشتر است. برای قضاوت بهتر در این موضوع بهتر است معایب و مزایای دوگانه سوزکردن را برای صاحبان این خودروها بررسی کنیم تا ببینیم آیا گازسوزکردن رایگان خودروها انگیزه کافی را برای صاحبان آنها ایجاد می‌کند یا خیر.
در نگاه اول بزرگ‌ترین مزیتی که برای آنها می‌توان متصور شد استفاده از سوخت ارزان‌تر است. هر مترمکعب گاز CNG اکنون به قیمت ۵۷۰تومان فروخته می‌شود، قیمت بنزین سهمیه‌ای نیز به هزار و ۵۰۰تومان و بنزین غیرسهمیه‌ای به سه‌هزار تومان می‌رسد. گرچه از نظر درصد اختلاف، شکاف قابل‌توجهی دیده می‌شود اما در نهایت اختلاف قیمت آنها به هر لیتر هزار یا دوهزار و ۴۰۰تومان (سهمیه آزاد) می‌رسد که اساس هزینه قابل‌توجهی به‌نظر نمی‌رسد، در واقع قیمت بنزین در ایران به دلیل یارانه سنگینی که به آن تعلق می‌گیرد، بسیار پایین است و بسیاری از افراد ترجیح می‌دهند که به‌جای گازسوزکردن خودرو و آسیب به آن از بنزین یارانه‌ای استفاده کنند.بنابراین تفاوت قیمت بین بنزین و گاز وجود دارد اما به‌قدری نیست که انگیزه زیادی برای افراد در راستای گازسوزکردن خودروی خود بدهد. اما در گازسوزکردن خودرو، مهم‌ترین ایرادی که بسیاری از مالکان تجربه کرده‌اند، کاهش فضای مفید خودرو است. نصب کپسول گاز در صندوق عقب، به‌ویژه در خودروهای سوزی کوچک‌تر بخش قابل‌توجهی از فضای بار را اشغال می‌کند. برای خانواده‌هایی که از خودرو در سفرهای جادلی استفاده می‌کنند، این موضوع یک مشکل جدی است و عملاً بخشی از کارکرد اصلی خودرو را از بین می‌برد. از سوی دیگر، سیستم دوگانه‌سوز معمولاً باعث افت محسوس توان موتور می‌شود. موتورهای که برای مصرف بنزین طراحی شده‌اند، هنگام استفاده از گاز طبیعی دچار کاهش شتاب و کشش می‌شوند. برخی رانندگان حتی پس از مدتی استفاده، ترجیح می‌دهند مجدداً از بنزین استفاده کنند، چون عملکرد خودرو با گاز رضایت‌بخش نیست.
محدودیت بعدی، کمبود ایستگاه‌های CNG در سطح شهرها و جاده‌است. با وجود گذشت بیش از دو دهه‌ا از آغاز طرح گازسوزی در ایران، هنوز زیرساخت سوخت‌رسانی متناسب با رشد تعداد خودروهای گازسوز توسعه نیافته‌است. در بسیاری از شهرها، تعداد ایستگاه‌ها انگشت‌شمار است و صف‌های طولانی به‌ویژه در ساعات اوج تردد دیده می‌شود. همین مشکل موجب می‌شود رانندگان برای پرکردن کپسول وقت زیادی را صرف کنند، درحالی‌که بنزین تقریباً در هر نقطه‌ای ی‌راحتی در دسترس است. با در نظر گرفتن مجموع این عوامل می‌توان گفت که تفاوت قیمت چندان کار کردی برای رشد انگیزه افراد برای گازسوزکردن خودرو ندارد.
■—————■
▼ مدت گارانتی خودرو تغییر کرد
پس از چند هفته توقف در ترخیص قطعات متفصله خودرو از گمرکات کشور، سرانجام گمرک با صدور بخشنامه‌ای تازه، اجازه ترخیص موقت این قطعات را صادر کرد. بر اساس این بخشنامه که از سوی معاون فنی گمرک به گمرکات اجرائی کشور ابلاغ‌شده، ترخیص قطعات متفصله مربوط به فصل ۹۸ با اخذ تعهدنامه از صاحبان کالا به مدت دو ماه مجاز شناخته شده‌است. در این دستور تأکیدشده: واردکنندگان ارزش قطعات باید تعهد دهند در صورت هرگونه تغییر احتمالی در ارزش کالا یا مغایرت در محموله، مسؤولیت آن را پذیرفته و مدارک لازم را در مهلت مقرر به کارگروه موضوع تبصره ۶ قانون خودرو ارسال کنند. تا نسبت به صدور شناسه ارزش اقدام شود. بر اساس این ابلاغیه، ارزش نهایی تعیین‌شده توسط کارگروه مذکور، ملاک عمل گمرک در محاسبه حقوق ورودی و رفع تعهدات بانکی خواهد بود.تصمیم جدید گمرک در شرایطی اتخاذشده که چندی پیش وزارت صنعت، معدن و تجارت در نامه‌ای رسمی به گمرک اعلام کرده‌بود؛ ترخیص قطعات متفصله خودرو به‌دلیل نبود شناسه معتبر در بانک اطلاعات ارزش موسوم به TCS متوقف شده‌است.این بانک اطلاعاتی، یکی از سامانه‌های کنترلی گمرک به‌شمار می‌رود که وظیفه آن تعیین ارزش پایه کالاهای وارداتی از جمله قطعات خودرو بر اساس کد تعرفه و داده‌های ثبت‌شده است.در واقع گمرک از طریق این سامانه صحت ارزش‌گذاری اعلام‌شده توسط واردکنندگان را بررسی کرده و از کم‌اظهاری یا بیش‌اظهاری جلوگیری می‌کند.



۹ میلیارد دلار در مسیر بی‌بازده خودرو

مریم لطفی –به گفته یکی از اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام، صنعت خودروی ایران سالانه حدود ۹میلیارد دلار تراز تجاری منفی دارد؛ به این معنا که ارزش وار دات خودرو و قطعات چندین برابر صادرات آن است. این مقام تأکید می‌کند: ادامه چنین وضعیتی برای اقتصاد کشور ممکن نیست، چرا که صنعت خودرو به جای آنکه موتور ارزآوری و رشد تولید باشد، به یکی از بزرگ‌ترین کانال‌های خروج ارز از کشور تبدیل شده‌است.

نگاهی به شالکه اصلی صنعت خودروی کشور بیانگر این واقعیت است که وابستگی شدید به واردات قطعات و فناوری، ضعف قطع‌مسازان داخلی و محدودیت صادراتی، این صنعت را به یکی از آسیب‌پذیرترین بخش‌ها در برابر نوسانات ارزی و تحریجه‌ا تبدیل کرده‌است، به گونه‌ای که صنعت خودرو طی دو دهه اخیر بیشترین ارزیبری را داشته و ارزآوری اندکی ایجاد کرده‌است، موضوعی که عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام بر آن تأکید دارد. اما اینکه عنوان می‌شود صنعت خودروی ایران سالانه ۹میلیارد دلار تراز تجاری منفی دارد، به چه معناست؟ تراز تجاری منفی در این حوزه یعنی اینکه ارزش واردات (اعم از خودروی کامل، قطعات، مواد اولیه و تجهیزات تولید) بسیار بیشتر از ارزش صادرات خودرو و قطعات ایرانی است. به زبان ساده، کشور هر سال حدود ۹میلیارد دلار ارز از دست می‌دهد تا نیازهای صنعت خودرو را از خارج تأمین کند، درحالی‌که صادرات این صنعت درآمد قابل‌توجهی را برنمی‌گرداند. این شرایط ادامه دهیم؟ چیست؟ اما به‌صورت تلویحی می‌توان از گفتگوی این‌گونه برداشت کرد که با ادامه وضعیت کنونی شاهد تشدید ناپایداری ارزی و اقتصادی صنعت خودرو، خروج منابع ارزی و وابستگی خارجی خواهیم بود و صنعت خودرو به‌جای مولد بودن، به یک مصرف‌کننده بزرگ ارز تبدیل می‌شود. پیش‌تر هم بازوی پژوهشی مجلس با تأکید بر اینکه صنعت خودروی ایران نقشه‌ا رازآوری ندارد، بلکه به‌دلیل مصرف بالای ارز به بحران تراز ارزی کشوری دامن زده است، به این موضوع پرداخته بود.

با استناد به داده‌ای این منبع رسمی، صنعت خودروی ایران، پشم اهمیت استراتژیک، یک بحران‌ساز در تراز ارزی کشور محسوب می‌شود. این صنعت، به‌جای مولد بودن ارز، به دلیل وابستگی ساختاری شدید به واردات واسطه‌ای (به سهم ۲۲٫۲درصد از تقاضای داخلی)، یک کسری ارزی سالانه به همراه دارد. آمار نشان می‌دهد که سهم صادرات از کل تقاضای داخلی تنها ۲۰٫۰درصد است که گویای عدم‌توانایی در رقابت در بازارهای جهانی است. در نتیجه خالص ارزآوری این صنعت منفی ۲۲٫۳درصد برآورد شده، به این معنی که هزینه‌های ارزی آن به‌مراتب از درآمد‌های ارزشی بیشتر است. در نتیجه کارشناسان متفقند تخصیص منابع به این بخش باید صرفاً بر اساس شاخص «تراز ارزی» باشد، نه معیارهای دیگر مانند اشتغال. با توجه به هشدار اخیر درباره تراز تجاری منفی در صنعت خودروی ایران، دو سوال اساسی



خودروی هیبریدی چینی رکورد گینس را شکست

۴دهه مدیریت ۲ پاره در «تهران بزرگ» یا همان مجموعه شهری تهران، سریال «بحران‌های زیستی در پایتخت» را وارد قسمت «دعای عیان دولت و شهرداری» کرده، دولت بر سر «زمین‌های حریم شهر تهران» است به‌طوری‌که هر دو برای «تصاحب اختیار تعیین‌کاری اراضی حریم» به قانون استناد می‌کنند اما دو قانون متضاد از هم، در نتیجه هیچ‌کدام تا الان نتوانسته دیگری را از زمین خارج کند.

هفته گذشته دعوی پنهانی مزمن بین استانداری تهران و شهرداری تهران برای کنترل فرمان «حریم شهر تهران» با دو مصاحبه مقامات ارشد این دو نهاد، یکی در تلویزیون و دیگری در صحن شورای شهر، «عمومی» شد و بالا گرفت. همزمان، معاون شهرسازی و معماری شهردار هم تغییر کرد و این اتفاق که می‌تواند «اصل ماجرای دولت دولت و شهرداری» را منحرف کند، توسط برخی ناظران در قالب «پایان اختلافات» القا شد، در حالی‌که ریشه این اختلاف به «قدرت سیاسی نهفته در ارزش اقتصادی زمین‌های حریم» و البته «تضاد آشکار روح دو قانون مرتبط با حریم» برمی‌گردد که اگر خشک نشوند، طرفین دعوا برای مدتی «آتش‌بس» می‌کنند و دوباره «شروع»

«حریم» شهر تهران کجاست؟

شهر تهران با همان محدوده‌حای ۲۲مناطقه شهری، حدود ۶۰۰کیلومتر مساحت دارد و هر آنچه در اطراف پایتخت (همین شهر) به وسعت حدود ۱۰برابر شهر تهران، به شکل «تعدادی شهرستان یا دربرگیری حداقل ۱۰ شهر و ۲۰ روستا» قرار گرفته، «حریم تهران» محسوب می‌شود. حریم تهران در حال حاضر نزدیک به ۵۹۰۰ کیلومترمربع مساحت دارد، در حالی‌که مساحت کل استان تهران ۱۳هزار و ۸۰۰کیلومترمربع است و در کل، ۱۶ شهرستان و بدون‌شمار شهر تهران، ۴۸ شهر و ۷۳ روستا در این استان جای گرفته‌اند که حداقل ۳۰ شهر از آنها در حریم شهر تهران است. مقایسه ارقام مساحت «حریم تهران» و «استان تهران» در کنار تعداد زیادی شهر در استان، نشان می‌دهد: همپوشانی گسترده و در عین حال «پیچیده» فیزیکی بین یکسری شهرهای واقع در اطراف شهر تهران و حریم شهر تهران وجود دارد و این یعنی «داخل در حوزه عمل شهرداری‌ها».

اختیار «حریم» تهران یا کیست؟

شهرداری تهران و استانداری تهران در جریان دعوایی که بالا گرفته‌است، مدام به قانون استناد می‌کنند، اما چون هرکدامشان، فقط از موضع سمت خود قانون را می‌بینند، صحبتی از «۲ قانون خنثی‌کننده یکدیگر» نکرده‌اند، در نتیجه برای خیلی از ناظران این دعوا، از جمله شهروندان ساکن تهران یا ساکنان حومه شهر تهران، عاملان تخلف یا عبور از قانون، مشخص و شفاف نیست. بررسی‌های «دنیایاقتصاد» در این‌باره نشان می‌دهد، برای حریم شهر تهران، دو قانون وجود دارد. قانون قدیمی‌تر که تحت‌عنوان «قانون تعاریف و تقسیمات کشوری» مصوب سال ۶۲ است، می‌گوید: هر زمان جمعیت روستاهای واقع در حریم شهر تهران و داخل استانداری تهران به ۲۵۰۰تفر رسید، دولت (وزارت کشور و استانداری) می‌تواند در آنجا شهر تأسیس کند. طی ۴دهه اخیر، دولت با استناد به همین قانون، تعداد شهرهای واقع در حریم تهران را به سطح فعلی ۴هزار رسانده‌است. البته در این مدت، دولت (وزارت کشور و درخواست وزارت مسکن) یکسری شهرهای جدید نیز در حریم پایتخت تأسیس کرد و در جریان بارگذاری‌های ساختمانی و جمعیتی در همه آنها، تقریباً مستقل از «ثار احتمالی گسترش اطراف تهران برای ظرفیتهای زیست‌محیطی تهران» عمل کرد

تولید ناخالص داخلی (GDP) دارد. برآوردها نشان می‌دهد در صورت فعالیت خودروسازان با ظرفیت کامل، این صنعت می‌تواند بین سه تا پنج‌رصد ارزش‌افزوده در اقتصاد کشور ایجاد کند. از همین‌رو، هر تحول ساختاری یا عملیاتی در صنعت خودرو، به‌طور مستقیم بر سایر بخش‌های اقتصادی و شاخص‌های کلان اثرگذار خواهد بود.



با استناد به داده‌های این منبع رسمی، صنعت خودروی ایران، پشم اهمیت استراتژیک، یک بحران‌ساز در تراز ارزی کشور محسوب می‌شود.



را با کارشناسان، اساتید دانشگاه و فعال اقتصادی عضو اتاق بازرگانی ایران مطرح کردیم؛ مبنی بر اینکه تراز تجاری منفی چه تأثیری بر صنعت خودرو و اقتصاد ایران داشته‌است و دیگر اینکه ادامه وضعیت کنونی چه پیامدهای منفی به بار خواهد آورد؟

اثر تراز تجاری منفی بر راه

از آنجا که کیفیت خودروهای داخلی در سطحی نیست که بتواند با غول‌های بزرگ خودروسازی جهان رقابت کند، عملاً ظرفیت قابل‌توجهی برای توسعه صادرات در این بخش وجود ندارد. در سال‌های گذشته، صادرات محدودی به کشورهایی همچون سوریه به انجام می‌شد، اما همان بازارهای محدود نیز به تدریج از دست رفت‌اند. تا زمانی‌که روابط خارجی کشور به همین وضعیت ادامه یابد، چشم‌انداز روشنی برای بازگشت به بازارهای صادراتی قابل‌تصور نیست. این شرایط در نهایت خود را به‌صورت کاهش سطح راه عمومی در اقتصاد ایران نشان می‌دهد. هرچند خودرو در تعریف اقتصادی، کالایی کاملاً ضروری محسوب نمی‌شود، اما نقشی مستقیم و غیرقابل‌انکار در راه‌خانوارها دارد. زمانی‌که تراز تجاری صنعت خودرو منفی می‌شود، به‌معنای افزایش مصرف ارز است، در حالی‌که این صنعت توان تأمین ارز موردنیاز خود را ندارد، در نتیجه این کسری ارزی باید از محل سایر بخش‌های اقتصادی جبران شود، اما با توجه به چالش‌های موجود در بخش‌های نفت، گاز و پتروشیمی، این امکان نیز محدود است.

در پاسخ به این سوال که تداوم این روند چه تبعاتی برای صنعت خودرو دارد، باید گفت: تداوم چنین وضعیتی پیامدهای اقتصادی سنگینی در پی خواهد داشت. نخست، افزایش نرخ بیکاری به‌دلیل سهم بالای صنعت خودرو در اشتغال کشور و دوم، کاهش عرضه خودرو در بازار که منجر به رشد قیمت‌ها و دشوارترشدن دسترسی خانوارها به خودرو می‌شود. به بیان دیگر، افت تولید نتنها صنعت خودرو را تضعیف می‌کند، بلکه مستقیماً به معیشت مردم و ثبات اقتصادی کشور آسیب می‌زند.

چرا فرصت طلایی صادرات از دست رفت؟

صنعت خودرو یکی از بخش‌های کلیدی اقتصاد ایران است که سهمی قابل‌توجه در

تولید ناخالص داخلی (GDP) دارد. برآوردها نشان می‌دهد در صورت فعالیت خودروسازان با ظرفیت کامل، این صنعت می‌تواند بین سه تا پنج‌رصد ارزش‌افزوده در اقتصاد کشور ایجاد کند. از همین‌رو، هر تحول ساختاری یا عملیاتی در صنعت خودرو، به‌طور مستقیم بر سایر بخش‌های اقتصادی و شاخص‌های کلان اثرگذار خواهد بود.

با استناد به

داده‌های این منبع رسمی، صنعت خودروی ایران، پشم اهمیت استراتژیک، یک بحران‌ساز در تراز ارزی کشور محسوب می‌شود.

فاصله زیاد صنعت خودرو با تراز تجاری مثبت

در سال‌های گذشته، صادرات خودروهای ایرانی هرچند محدود، عمدتاً به کشورهایی مانند سوریه و عراق صورت می‌گرفت، با این‌حال نمی‌توان انتظار داشت که محصولات تولیدی کشور با خودروسازان پیشرو جهانی رقابت کنند. ساختار دولتی حاکم بر صنعت خودروی ایران موجب شده‌است که مدیران منصوب در این بخش از رانتهای دولتی بهره‌مند شوند و این امر مانع تحقق کامل توان رقابتی این صنعت شده‌است. منطقی است که از صنعتی که فاقد قدرت رقابتی است، انتظار موفقیت در حوزه صادرات نرود. از قضا آمارهای صادراتی نیز گویای همین نکته است.

با این‌حال، هم‌اکنون فرآیند خصوصی‌سازی یکی از خودروسازان بزرگ کشور آغاز شده‌است و در صورتی‌که این مسیر به درستی دنبال شود و شرکت مذکور توان رقابتی خود را ارتقا دهد، در بلندمدت امکان صادرات محصولاتش فراهم خواهد شد و با تولید محصولات رقابتی می‌توان انتظار این روند را داشت. در حال حاضر شاهد تراز تجاری منفی در این صنعت هستیم؛ به‌طوری‌که فاصله میان وضعیت فعلی واردات و صادرات و دستیابی به تراز تجاری مثبت در این صنعت همچنان بسیار زیاد است و به اعتقاد من تحقق آن نیازمند تقویت بنیادین بخش خصوصی است. علاوه بر این، اجرای استانداردهای بین‌المللی و انطباق با الزامات آلاینده‌ی، مانند استاندارد یورو۶، همچنان با چالش‌ها و تردیدهایی جدی مواجه است. پیامد این تأخیرها و عدم‌قطعیت‌ها می‌توان در زبان انباشته بالای صنعت مشاهده کرد که طی سالیان گذشته به‌وضوح نمایان شده‌است.

منظور از «تراز تجاری منفی» چیست؟

به اعتقاد من ابتدا لازم است روشن کنیم منظور از «تراز تجاری منفی» در صنعت خودرو چیست. در صنعت خودرو، دو نوع واردات اصلی وجود دارد: واردات رسمی خودروهای کامل خارجی و دوم واردات قطعات خودرو که تولید آنها در کشور یا اقتصادی نیست یا از نظر فناوری و کیفیت با نمونه‌های خارجی قابل‌رقابت نیست. واردات خودروهای کامل اساساً از فعالیت تولیدی خودروسازان داخلی جداسـت؛ این خودروها صرفاً خریداری می‌شوند و برای آنها سهمیه ارزی مشخصی دریافت می‌شود که معمولاً از محل ارز مبادله‌ای است. هدف واردکننده هم صادرات نیست، بنابراین محاسبه تراز تجاری صادرات-واردات برای این بخش عملاً معنا ندارد.

اما اگر تنها واردات قطعات داخلی مدنظر باشد، بحث تراز تجاری به مفهوم کلاسیک اقتصادی مطرح نیست؛ این کالاها در فرآیند تولید داخل مصرف می‌شوند و هدف صادراتی برای آنها تعریف نشده‌است. در صورتی‌که منظور از «تراز منفی» صادرات مجدد خودرو باشد – مانند عملکرد برخی کشورها مانند گرجستان یا دبی که خودرو را وارد و با ارزش‌افزوده صادر می‌کنند – آنگاه می‌توان چنین تحلیلی داشت، اما بدون محاسبات دقیق نمی‌توان ادعا را رد یا تأیید کرد و بررسی کارشناسی بیشتری لازم است. سوال مهم این است که! آیا می‌توان بدون صنعت خودرو زندگی اقتصادی پایداری داشت؟ پاسخ روشن است: خیر. کشور به تولید خودرو نیاز دارد. ما نه توان واردات بیش از یکمیلیون خودرو در سال را داریم و نه منابع ارزی لازم برای آن فراهم است، بنابراین صنعت خودرو به‌عنوان صنعتی مادر و پیشران اقتصاد، نقشی انکارناپذیر دارد و نمی‌توان آن را نادیده گرفت، هرچند نیازمند اصلاحات ساختاری و عمیق است.

صنعت خودروی ایران دارای سابقه، ریشار و به شبکه گسترده‌ای از صنایع قطع‌سازی وابسته است و باید مورد حمایت و بازآفرینی قرار گیرد، اما هدفگذاری برای صادرات در کوتاه‌مدت واقع‌بمانه نیست. با اصلاحات اساسی در ساختار صنعتی، مدیریتی و فناوری، می‌توان در یک بازه ۱۰ ساله به صادرات پایدار دست یافت. امروزه در برخی حوزه‌ها توان تولید داخلی وجود دارد، اما واردات از کشورهای مانند چین همچنان مقررمنصرف‌تر است و در قطعات پیچیده وابستگی منابع به کشورهای دیگر، صنعت خودروسازی را تهدید می‌کند. به‌عنوان مثال، وابستگی به واردات کامل خودرو در داخل و کنترل ارزیبری صنعت خودرو را ممکن ساخت.

شرکت خودروسازی چینی FAW با عرضه خودروی هیبرید برقی Hongqi HS به نقطه عطفی دست‌یافته و رکورد گینس را برای طولانی‌ترین مسافت طی‌شده با یکبار شارژ و مخزن کامل سوخت بدون توقف ثبت کرده‌است.	این خودرو در ۳۰ اکتبر سفری ۱۴۴۵ مایلی را از: «شانگهای» آغاز کرد و در ۳ نوامبر به گوانگژو رسید و در مسیر خود از شهرهای کانمینگ، بایس و ووژو عبور کرد. رکورد جدید نشان‌دهنده پیشرفت سریع مهندسی FAW و تعهد این شرکت به توسعه خودروهای هیبریدی را بر د طولانی برای بازار جهانی است. Hongqi HS با پشت‌سر گذاشتن رکوردداران پیشین مانند Fulun T۱۰ از شرکت چری، استاندارد جدیدی در قدرت تحمل و کارآمدی خودروهای SUV هیبریدی ایجاد کرده‌است.این خودرو مجهز به موتور توربوشارژر ۱٫۵ لیتری است که ۱۴۸ اسب‌بخش قدرت و ۱۶۶ پوند بر فوت گشتاور تولید می‌کند، درحالی‌که بهروری حرارتی آن به ۴۵۰۲۱درصد می‌رسد.
خریداران می‌توانند بین تنظیمات ۲ و ۴ چرخ متحرک انتخاب کنند. حداکثر سرعت خودرو ۱۲۷ مایل بر ساعت است و بازده کل سیستم به ۲۲۵ اسب‌بخش برای نسخه دوچرخ و ۴۹۵ اسب بخار برای نسخه چهارچرخ می‌رسد.	

دوئل ملکی دولت و شهرداری

«محفوظ نگه‌داشتن» آن جهت توسعه آتی پایتخت، باقی نمانده‌است. همین وضعیت از سمت شرق محدوده شهر تهران نیز صادق است و در جنوب خط محدوده تهران، یعنی اتوبان آزادگان نیز «حریم پایتخت» در اختیار شهرستان‌های پاکدشت، اسلامشهر و قنس قرار دارد که درست تا مجاورت اتوبان آزادگان، حوزه استغفالی شهرداری‌های این شهرستان‌ها قرار دارد و در عین حال، حریم تهران هم محسوب می‌شوند.

این تعارض باعث‌شده از یکسو، شهرداری تهران مدعی آن است که نباید در اطراف محدوده جنوبی شهر تهران، ساختمان یا فعالیت ترفاهی شکل بگیرد اما از سوی دیگر، مدیران شهرستان‌های مجاور و مالکان زمین‌های آنجا، در حال صدور مجوزها و بارگذاری‌های ساختمانی و جمعیتی هستند. در این میان، «ارزش اقتصادی زمین‌های واقع در حریم پایتخت» که ناشی از «تردیکی به مرکز» است، اشتها بری ربح و ادعاهای صنعتی در حریم و مالکان برای «تعیین یا تغییر کاربری» زمین‌های حریم تهران را سبب شده‌است؛ روندی که در سال‌های اخیر چون برای شهرداری‌های حریم منابع مالی قابل‌توجه حاصل از صدور مجوز برای این اراضی را به‌همراه داشت، عاملی برای «شتاب بارگذاری» روی اراضی ذخیره توسعه آتی پایتخت شد.

در این‌میان، طرف مقابل یعنی شهرداری تهران که با استناد به قانون دهه ۸۰، خود را «متولی» نظارت بر ساختوسازهای حریم شهر تهران می‌داند نیز به‌نوعی، خود را «ذی‌نفع» منابع مالی حاصل از صدور پروانه و تغییر کاربری در این اراضی نیز می‌داند. نتیجه آن شده که دعوی دولت و شهرداری اکنون بالا گرفته و کار به دولت رسیده‌است. استانداری تهران، پروانه‌ای که شهرداری برای حریم صادر کرده را ابطال کرده و شهرداری هم اجازه «ساختوساز جدید» در حریم تهران یا همان «محدوده شهرهای حومه تهران» را نمی‌دهد.

گروه مسکن و شهری روزنامه «دنیایاقتصاد» در جریان تحقیق و بررسی درباره «زیرپوست» این دعوا، علاوه‌بر اینکه به ریشه‌های این اختلاف رسید، به یک طرح «حل اختلاف» هم دسترسی پیدا کرده‌است که برای اواخر دهه ۹۰ است؛ مقطعی که همسویی سیاسی و فکری بین دولت و شهرداری برقرار بود و همین «عدم اختلاف‌نظر» باعث‌شده بود شهرداری تهران و استانداری تهران، برای «تعیین‌تکلیف» زمین‌های حریم شهر تهران با هدف «تنظیم جریان بارگذاری آتی روی اراضی حریم پایتخت»، در قالب یک طرح، به دو راهکار برسند. در آن طرح، دو پیشنهاد مطرح شد: اولین راهکار این است که هیچ‌کدام از شهرداری‌های شهرهای واقع در حریم شهر تهران، «حریم نداشته باشند» و فقط محدوده در اختیار هر شهرداری باشد و مدیریت حریم پایتخت توسط یک نهاد مشترک (با استانداری) با محوریت شهرداری تهران، انجام شود.

راهکار دوم نیز «حریم‌شاعی» برای شهرهای اطراف تهران و شهر تهران درنظر گرفته‌است؛ به این‌معنا که زمین‌های موجود واقع در حریم تهران که از محدوده شهرستان‌های اطراف تهران خارج است، در قالب «حریم‌شاعی» باشد. «ظطرت و کنترل» بر آن با استانداری باشد. تحقیقات «دنیایاقتصاد» حاکی است، با توجه به اینکه سطح دعوا در هفته گذشته، بالا گرفت، قرار است شورای‌عالی شهرسازی و معماری کشور بزودی یکی از این دو راهکار را تصویب کنداز آنجا که مرجع تصمیم‌گیری برای «آینده توسعه فیزیکی شهرهای ایران» شورای‌عالی شهرسازی و معماری کشور است که در قالب تدوین یا بازنگری طرح‌های جامع و تفصیلی شهرها، این تصمیم‌گیری را انجام می‌دهد، شاید بتواند «اختلافاتی که به واسطه وجود ۲ قانون متضاد» بین استانداری تهران (زیرمجموعه وزارت کشور) و شهرداری تهران بوجود آمده را حل و فصل کند.

❖ کارنامه متناقض دولت‌های ترامپ

دونالد ترامپ در دوره اول ریاست جمهوری خود با کاهش مالیات شرکتی و مقررات زدایی، منجر به رشد ۶۷ درصدی شاخص S&P ۵۰۰ شد و یکی از بهترین عملکردهای تاریخی را ثبت کرد. اما در ۱۰ روز اول دوره دوم، سیاست‌های تعرفه‌ای ۶۰ درصدی بر چین و تنش‌های تجاری، شاخص را ۷۹٫۹ درصد پایین کشیدند، بدترین شروع یک رئیس‌جمهور در ۸۰ سال اخیر.

جمهوری آمریکا، گمانه‌نویزهای فزاینده برنده انتخابات وجود دارد و تصمیمات مهم بازار سرمایه در کوتاهمدت تا حدی تحت تأثیر این رویداد قرار می‌گیرد. با این وجود تاریخ نشان می‌دهد که انتخابات ایالات متحده در بلندمدت، تقریباً بر بازار سهام بی تأثیر است. طبق گزارش بلومبرگ، در دوره پس از جنگ جهانی دوم، بازار تحت هر دو دولت دموکرات و جمهوری خواه بازنده‌های خوبی داشته است. اگرچه تحقیقات CFRA نشان داد که در نظر بازه، مطلق، عملکرد بازار تحت دولتهای دموکرات بهتر بوده است.

بازار سهام در دوره اول ریاست جمهوری ترامپ با رشد قابل توجهی همراه بود، اما در دوره دوم ریاست جمهوری او شاهد کاهش با نوسانات بیشتری همراه بوده‌اند. در دوره اول ریاست جمهوری ترامپ که با ژانویه سال ۲۰۱۷ آغاز شد و تا ژانویه سال ۲۰۲۱ ادامه داشت، شاخص S&P ۵۰۰ مجموع ۶۷٫۳ درصد رشد کرد. در چهار سال بعدی که دولت ایالات متحده توسط دموکرات‌ها اداره می‌شد و با بدین ریاست جمهوری ایالات متحده آمریکا را به عهده داشت، این شاخص ۵۵٫۵ درصد رشد کرد. در دوره با بدین بازار سهام با نوساناتی هم همراه بود؛ نوساناتی مانند رشد ۲۶ درصدی در سال ۲۰۲۱ تا ۲۰۲۲ و افت ۲۴٫۲ درصدی در ۲۰۲۲ تا ۲۰۲۳. زمان از دوره دوم ریاست جمهوری ترامپ در اولین ماه سال میلادی جاری، شاخص با نوسانات بسیاری همراه بوده است. این شاخص از ابتدای دوره دوم ریاست جمهوری ترامپ تا ۲۰ اکتبر، ۵۸٫۸ درصد رشد داشته است.

دوره اول ریاست جمهوری ترامپ
دوره اول ترامپ با یک بازار معدود (bull market) قوی شروع شد که کاهش مالیات شرکت‌ها از ۲۵ درصد به ۲۱ درصد در سال ۲۰۱۷ و مقررات زدایی (deregulation) بانکی، دو عامل اصلی بودند که به افزایش شدید بازدهی و رشد شاخص‌های بازار سرمایه در آمریکا انجامیدند. سیاست‌های ترامپ اعتماد سرمایه‌گذاران را افزایش داد، اما پایداری کوید-۱۹ در ۲۰۲۰ یک شوک موقت ایجاد کرد. شاخص S&P ۵۰۰ از حدود ۴ هزار و ۲۶۱ در ژانویه سال ۲۰۲۰ به ۳ هزار و ۷۹۸ در ژانویه سال ۲۰۲۱ رسید که معادل رشد متوسط ۶۷٫۳ درصدی است. این به معنای رشد متوسط ۱۴۵ درصد در سال است و یکی از بهترین عملکردها در دوره‌های ریاست جمهوری اخیر را به نام ترامپ ثبت می‌کند. رشد بالای شاخص‌های بازار از جمله حمایت‌گرایانه از کسب‌وکارها را نشان می‌دهد؛ اما S&P ۵۰۰ و DJIA، تاثیر مثبت سیاست‌های مالیات‌های دولت فدرال و کاهش نرخ بهره فدرال را نشان می‌دهد. اما کاهش ارزش دلار و افزایش نرخ بهره فدرال در سال ۲۰۲۲، به کاهش ارزش دلار و افزایش نرخ بهره فدرال منتهی شد.

با توجه به سبب‌های حمایت‌گرایانه اقتصادی دولت ترامپ از اول امر و رشد چشم‌گیر شاخص‌های مهم بورس، در هفتم روم ریاست جمهوری او با انتظارات بالایی آغاز شد. اما در واقعیت و از زمان انتخاب ترامپ به‌عنوان رئیس‌جمهور آمریکا در نوامبر سال ۲۰۲۴ تاکنون، بازار سرمایه آمریکا نوسانات زیادی را پشت سر گذاشته است. شاخص S&P ۵۰۰ از نوامبر ۲۰۲۴ تا ژانویه ۲۰۲۵ با رشد ۳۶ درصدی همراه شد.

پس از این سیاست‌های حفاظتی، ایران به مانند
تفرقه‌های سنگین بر واردات به آمریکا با
مختارن تجاری خود همراه به نوشتن‌ها شد
به آوریل شد. ۱۰۰ روز ابتدای دوره دوم ریاست
جمهوری ترامپ با افت ۱۷٫۹ درصدی این شاخص
همراه با بدترین ۱۰۰ روز ریاست جمهوری
یک رئیس‌جمهور در تاریخ بازار سهام در ۸۰ سال اخیر
بنام دونالد ترامپ ثبت شود. در این صدد، حدود
۳۶۶ تریلیون دلار از ارزش کل S&P ۵۰۰ کاسته
شد. اعلام تفرقه‌های این گروه، اقدامات تلافی‌جو
چین و کاهش GDP از جمله عواملی بودند که
باعث سقوطهای شدید این شاخص شدند. شاخص از
۳۴ درصد رشد در ۲۰۱۷ تا ۲۰۱۸ و افت
شدید در این ماه را جزایر کرد اما عدم اطمینان
تجاری همچنان ریسک را بالا نگه داشته است.
به طور کلی بررسی عملکرد شاخص S&P ۵۰۰
در حدود ۱۵۸ درصدی این شاخص از ابتدای سال تا
۲۰۱۸ کمتر از نشان می‌دهد.

ثبت عملکرد بازار سهام در بلندمدت
از زمان جنگ جهانی دوم تاکنون، بازار سهام
آمریکا با میانگین بازده سالانه حدود ۱۰ درصد برای
شاخص S&P ۵۰۰، در وجود بحران‌های بزرگ
ترجیح کرده است. حتی با وجود بحران‌های حزب
ماندن در سال ۱۹۷۳، دوشنبه سیاه ۱۹۸۹، هرج
دات کام ۲۰۰۰ و یحران مالی ۲۰۰۸، داده‌های
تاریخی رشد بلندمدت شاخص را تضمین می‌کنند.
از سال ۱۹۸۱ یعنی دوره ریاست جمهوری ریگان تا
۲۵ سال دوره اول ریاست جمهوری ترامپ (۲۰۱۱-۲۰۲۰)
(۲۰۱۷) با رشد ۶۷۳ درصد شاخص S&P ۵۰۰
در طول دوره ریاست جمهوری (میانگین بازدهی
۱۳۶ سالانه) در رتبه دوم بهترین عملکردها قرار
دارد. در رتبه اول این لیست بیل کلینتون قرار
دارد. شاخص در طول ۸ سال ریاست جمهوری
بیل کلینتون (۲۰۰۱-۱۹۹۳) نزدیک به ۲۱۰ درصد
(میانگین بازدهی ۵ درصد سالانه) رشد کرده بود.

تومان و ۲۸۵۰۰ تومان برای کالاهای اساسی و دارویی حدود خبری که موجهی از تقاضا در سهام این گروه ایجاد کرد، اما در پایان بازار تکذیب شد. بنابراین ارزش سهامی بینشی می شود روز یکشنبه برای دارویی ها روزی متفاوت باشد. با وجود افزایش عرضه، ارزش سهامهای خرید با رقم هزار و ۲۷۷ میلیون تومان از ارزش سهامهای فروش ۱۷۲ میلیارد تومان بالاتر ایستاد. همچنین ارزش صفهای خرید در برابر صفهای فروش به ترتیب ۹۱۴ میلیارد تومان و ۳۴۸ میلیارد تومان بود. در پایان معاملات، تعداد نمادهای دارای صف خرید و فروش تقریباً برابر شد. ۹۳ نماد در صف خرید و ۹۰ نماد در صف فروش قرار داشت.

نگاهی به تغییر جهت ۱۷۶ نماد از مثبت به منفی در طول عملیات بین تصویری روشن بازار نوسانی شبیه (از) می‌دهد. در سمت خروج نقدینگی، بانکی‌ها به ۴۱ میلیارد دلار خروج پول حقیقی برای چندین روز متوالی در صدر جدول قرار گرفتند و پس از آن چندنشده‌ای مالی صنعتی و غلال‌سنجی‌ها بیشترین خروج پول را تجربه کردند. در سوی صلب‌پایه‌ها به اعمیالربان‌ها، دارویی‌ها به ۴۵ میلیارد تومان و فزات اساسی به ۴۱ میلیارد تومان در صدر جدول نقدینگی قرار داشتند. غالب آنکه گروه سیمان نیز پس از مدت‌ها بار دیگر به کانون توجه بازار بود و ۴۶ میلیارد تومان خروج نقدینگی در رینگ معاملات خودی نشان داد.

در بخش صندوق‌های جریان نقدی یکی چهرای دوگانه داشت. صندوق‌های سهامی با ۱۱ میلیارد تومان خروج پول در سال ۱۳۹۷، ۱۰۰ میلیارد تومان خروج پول در سال ۱۳۹۸ و ۱۰۰ میلیارد تومان خروج پول در سال ۱۳۹۹ را تجربه کرد. در سال ۱۳۹۷، ۱۰۰ میلیارد تومان خروج پول در سال ۱۳۹۸ و ۱۰۰ میلیارد تومان خروج پول در سال ۱۳۹۹ را تجربه کرد. در سال ۱۳۹۷، ۱۰۰ میلیارد تومان خروج پول در سال ۱۳۹۸ و ۱۰۰ میلیارد تومان خروج پول در سال ۱۳۹۹ را تجربه کرد.

اصلاح زمانی؛ محتمل ترین سناریو

محمد خبری‌زاد، تحلیلگر ارشد بازار سرمایه، درباره وضعیت معاملات روز شنبه گفت: «بازار دیروز دو نیمه کاملاً متفاوت داشت. در نیمه اول معاملات، شرایط کاملاً مثبت بود و شاخص کل حتی تا سطح سه میلیون و ۴۴۵ هزار واحد هم رشد کرد، اما از حدود ساعت ۹ و نیم به بعد روند بازار تغییر کرد. مخصوصاً ساعت ۱۱ تا ۱۲ به قدرش فروش‌ها را نامحاذی داشت و او در نهایت شاخص کل با رشد ۰.۶۶ درصدی در سطح سه میلیون و ۲۴۴ هزار واحد به کار خود پایان داد.»

او افزود: «از نظر ورود پول حقیقی، حدود ۸۰ میلیارد تومان پول وارد بازار شد. از منظر سرانه خرید و فروش هم نسبت به روزهای گذشته در این حال، نتایجی که در روزهای سه‌شنبه و چهارشنبه و دیروز مشهود است این است که بازار به قدری از رکود نفعی عبور از سقف عددی خاصی در ادامه مسیر صعودی به شکل مواجه شد. در واقع شاخص توانست نسبت به تاریخی را بشنود، اما برای عبور محکم از آن نیاز به یک نیروی محرک قوی دارد؛ نیرویی که فعلاً در بازار وجود ندارد.»

به گفته این تحلیلگر، «بازار در حال حاضر نقدینگی دارد و خریداران هم حضور دارند، اما شاید بتوان گفت انگیزه کافی برای خریدهای پر قدرت در این محله‌دها وجود ندارد. وقتی بازار کمی منفی می‌شود، بلافاصله خریداران روی تابلوی مشخص می‌شوند و ورود پول را می‌بینیم. بنابراین برای ما، حس است، اما آن نیروی قوی که بتواند بازار را از سطح به حرکت درآورد، فعلاً غایب است.» خبری‌زاد ادامه داد: «برخی نگران اصلاح عمیق شاخص هستند، اما به نظر من چنین احتمالی وجود ندارد. بیشتر باید انتظار یک اصلاح کوتاه‌مدت زمانی را داشته باشیم تا اینکه باز وارد فاز اصلاح قیمتی سنگین شود. بازار در این مقطع نیاز به یک محرک مشخص دارد تا بتواند از سقف روانی فعلی عبور کند.»

او اشاره به عوامل بنیادینی که می‌توانند در ادامه مسیر نقدش‌افزایی باشند، گفت: «هم‌پسین پول پیش‌رو بازار از مفروضات بودجه سال ۱۴۰۵ است. شاید اصلی‌ترین نکته، بحث نرخ دلار، توقیفی و حذف دلار ۲۸ هزار و ۵۰۰ تومانی باشد. پیش‌بینی‌ها این است که نرخ دلار تا اواخر تابوتانی در بودجه جدید را رشدی حدود ۳۰ تا ۴۰ درصدی نسبت به امسال، در محدوده ۹۰ هزار تومان در نظر گرفته شود. اگر این مفروضات نهایی و شفاف شود، به سبب خروج درخت‌درختان، برای بازار باز شد. در مقابل، موضوع نرخ خوراک صنایع، به‌ویژه هالکانه و نحوه انتشار اوراق دولتی در بودجه، جزو ریسک‌های منفی بالقوه است که ممکن است اثرگذار باشد.» او در ادامه گفت: «در مجموع آنچه روشن است، این است که پولی که طی هفته‌های اخیر وارد بازار شده هنوز قصد خروج ندارد. حتی با وجود منفی‌های اخیر هم خروج محسوسی از سمت حقیقی‌ها نداشتیم. بنابراین احتمال این سناریو برای دوره‌های آینده اصلاح زمانی و سپس آغاز یک حرکت جدید با انتشار گزارش‌های ماهانه این صنعت شدن جزئیات بودجه است.»

این تحلیلگر بازار سرمایه درباره وضعیت گروه بانکی نیز توضیح داد: «در مورد خروج پول از صنعت بانک، به نظر من این موضوع چندین بار واقعیت‌های بنیادی این صنعت هم‌خوانی ندارد. بانکها در گزارش‌های ماهانه و شش‌ماهه عملکرد مطلوبی داشتند. برخی از صنعت عملکرد عملیاتی قوی بودند و برخی دیگر از محل فروش دارایی‌ها سود ششماهه کردند. این‌ها اینک این صنعت در دو سال اخیر بازدهی بالایی نصیب سهامدارانش کرده و طبیعی است که مدتی در فاز استراحت قرار گیرد. بنابراین اتفاقی اخیر بیشتر شبیه اصلاح قیمتی موقت است تا نشان‌ای از ضعف بنیادی. گزارش‌های ما موجود نشان می‌دهد اتفاق خاصی در این صنعت رخ نداده و از نظر بنیادی، اتفاقی پایایی اخیر توجهی ندارد و احتمال بازگشت روند مثبت زیاد است.»

او در پایان درباره چشم‌انداز معاملات یکشنبه گفت: «مستحالی می‌دهم امروز در نیمه اول بازار فشار عرضه بالا باشد شروع بازار با غلبه فروشندگان همراه شود. اما به مرور که قیمت‌ها کاهش پیدا کند، تقاضا در نمادها شکل می‌گیرد و بازار برای خریداران جذاب تر خواهد شد. در نتیجه انتظار دارم دسام معاملات حداقل به تعادل برسد یا حتی اندکی مثبت شود، مگر این‌بار اتفاق خاصی رخ دهد. در مجموع بازار در مسیر اصلاح زمانی قرار دارد و یا یک محرک قوی -چه از جنس بوده و چه از جنس گزارش‌های آتی- می‌تواند دوباره جان بگیرد.»

[illegible]

انتظار صعود پر قدرت دور از ذهن است

به سمت ابزارهای شفاف و رسمی فراهم کند.

اصلاح محتمل تر از صعود پر قدرت است

آن روز بزرگ، کارشناسان بازار سرمایه به ارزیابی وضعیت بازار سهام، مولفه‌های اثرگذار و چشم‌انداز آن در کوتاهمدت پرداخت و گفت: بازار سرمایه در روزهای اخیر پس از عبور از محدوده ۴ میلیون واحد و رسیدن به سطح حدود ۲۵۰ هزار واحد، واکنش مثبتی به دو خبر مهم داشته است. نخست، موضوع تعدیل فرمول نرخ خوراک پتروشیمی‌ها و حذف تاثیر دو هاب اروپایی واردکننده گاز از فرمول قیمت‌گذاری که می‌تواند به کاهش معنادار هزینه‌ها منجر شود. دوم، انتظارات نسبت به نرخ ارزش‌رکشی صادر استخر، به‌ویژه فولادی‌ها در بازار مهم بود. پیکار کرد. این دو خبر، محرک‌های اصلی رشد بازار بود و دل‌بازد و عملاً می‌تواند خود را از این موقرات تعدیل کرد.

وی افزود: اکنون شاخص در محدوده صفحای تکنیکال قرار گرفته و در روزهای اخیر شاهد افزایش عرضه‌ها و کاهش ارزش معاملات هستیم. از سوی دیگر، انتشار برخی گفته‌های منفی‌ها و اظهارات غیررسمی درباره اینکه ممکن است حذف کامل دو هاب اروپایی از فرمول نرخ خوراک انجام نشود، بازار را هنوز جاذبه دیگری اعمال شده باعث افزایش تردیدها در بازار شده است. این اخبار، هرچند به‌طور رسمی و قانونی نیستند اما به‌دلیل آنکه بازار شایع‌ترین شایع‌سازی کاملاً مثبت را در قیمت‌ها لحاظ کرده، می‌توانند منجر به اصلاح در بازار شوند.

پروکار اصلاح بازار سهام را در چشم‌انداز کوتاه‌مدت محتمل‌تر از صعود پُرقدرت می‌بیند و به ارزیابی این دلایل پرداخت و گفت: «بظنرم می‌رسد با توجه به شرایط کنونی، احتمال اصلاح مقطعی شاخص، ضمنی با ادامه صعود پُرقدرت، اگرچه کم‌تر است، نخواهد بود. مهم‌تر از فروزش پُرقدرت و بنیادی بازار، ماندن تغییرات مثبت در نرخ ارز، سیاست‌های کلان پولی و مالی، با اخبار سیاسی تأثیر گذار رخ دهد. در چنین وضعیتی حتی اخبار منفی جدید، چه از حوزه اقتصاد و چه از تحولات منطقه‌ای با تکذیب موارد مثبت مورد انتظار، می‌تواند اخبار را کمی‌تر کند. در مجموع می‌توان گفت بازار را در انتظار رشد مثبت نهایی وضعیت نرخ خوراک و متغیرهای دیگر مانند دیگر است و تا مشخص شدن قطعی این موارد، فاز اصلاح پُرقدرت را ندانم روند صعودی خواهد بود».

به سبف تاریخی، نشانهای از افزایش احتیاط سرمایه‌گذاران است. بسیاری از فعالان ترجیح می‌دهند تا پیش از هرگونه ورود سنگین، از عبور پایدار شاخص از مقاومت امنیستان حاصل کنند. رنشد اخیر بازار پیدای حاصل استاصه نمودن نوسان محدود و کنترل عرضه‌ها بوده است. سیاستی که در کوتاهمدت متافع از سوانسات شدید می‌دانه، اما در بلندمدت از بازپوی بازار و کشف قیمت واقعی را مختل کند. بنابراین، در کوتاهمدت انتظار می‌رود بازار سهام در محدوده فعلی نوساناتی آرام و متعادل تجربه کند و در صورت عبور پایدار از مقاومت یاشده، زمینه برای موج صعودی جدید فراهم شود. در مقابل، شکست حمایت‌های ۳۰۱۸ و ۲۰۰۸ میلییون واحدی می‌تواند اصلاح عمیق‌تری را رقم بزند. کارشناسان سرمایه به تصمیم‌سازان بورس جدید زنجیره مالی اشاره و آن را «تورن‌های ارزایی کره: در کنار تحولات باز سهام، موقتاً اصولی سبزان بورس را تائیس نخستین صندوق «صور و ابطل طلا» گامی مهم در تکمیل زنجیره ابزارهای مالی مبتنی بر طلا محسوب می‌شود. پیش از این، سرمایه‌گذاری در طلا در چارچوب صندوق‌های ETF انجام می‌شد که معاملات آن محدود به سرمایه‌گذاری رسمی بوده. اما در ساختار جدید، سرمایه‌گذاران می‌توانند مستقیماً از طریق مدیر صندوق، واحدهای جدید صادر یا ابطل کنند. مشابه صندوق‌های صدور و ابطل اهرامی با همخلط که توسط سیدگردان‌ها اداره می‌شوند. این اقدام چند مزیت اساسی دارد: نخست، توسعه و تنوع ابزارهای مالی در بازار طلا و افزایش انتخاب‌های سرمایه‌گذاران؛ سطح ریسک و افق زمانی متفاوت؛ دوم، جذب سرمایه‌های سرگردان بهیژه از سوی افرادی که تمایل به حضور مستقیم در بازار فیزیکی ندارند؛ سوم، کمک به کاهش نوسانات بازار فیزیکی از طریق انتقال بخشی از تقاضا به بازار مالی؛ و چهارم، ارتقای شفافیت نظارتی در مقایسه با معاملات غیررسمی طلا.

با این حال، چالش‌هایی همچون نقدشوندگی پایین تر نسبت به EITs، احتمال انحراف قیمت، ارزش واقعی و هزینه‌های مدیریت بالاتر برای موارد مورد قرار گیرد. در مجموع، این تصمیم از منظر سانسگدازی مالی می‌باشد و می‌تواند در راستای توسعه عزم بازار سرمایه، گسترش ابزارهای مالی مبتنی بر دارایی‌های واقعی است. با توجه به شرایط فعلی بازار سهام، چنین نوآوری‌هایی می‌تواند ضمن تقویت جذابیت بازار سرمایه، مسیر تازه‌ای برای مدیریت نقدینگی و هدایت سرمایه‌های

گامی برای پیوند فناوری و اقتصاد

مستثنی بوده و توانسته توجه و مشارکت فعالان بانک، بیمه، بورس و سرمایه‌گذاری را جلب کند. رئیس امور هوش مصنوعی و توسعه دولت هوشمند در آنامه با تأکید بر اهمیت ورود هوش مصنوعی به هرصه‌های مختلف اقتصادی، اظهار کرد: بروز و گسترش فناوری‌های هوش مصنوعی باعث بخش قابل توجهی از فضای کسب‌وکار دچار تغییر شود. شرکت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی هر یک به میزان توان و ظرفیت خود به سمت استفاده از هوش مصنوعی حرکت کرده‌اند. اکنون زمان آن رسیده که شرکت‌های فعال در حوزه‌های مالی و اقتصادی بیش از پیش با ظرفیت‌های این فناوری آشنا شوند و گفت‌وویی میان فعالان صنعت و متخصصان هوش مصنوعی شکل گیرد. احدیان آنامه داد: هدف از پایش‌ن هوش مصنوعی در کیش اینوکس، ایجاد همین تعامل دوسویه است تا فضای عرضه و تقاضای هوش مصنوعی در کشور به‌درستی شکل بگیرد و از این طریق می‌تواند تسهیل کار برده‌ای آن فراهم شود. واقعیت این است که در حال حاضر نه‌چند صناع و بنگاه‌ها در درستی از ظرفیت‌های هوش مصنوعی دارند و نه فعالان این حوزه توانسته‌اند به شکل مطلوب با بخش‌های مالی و اقتصادی ارتباط بگیرند. برانگوینم زمینه آشنایی و گفت‌وویی

نوسان در مرز ۳.۲ میلیون واحد



❶ **فرحناز نعمتی** - معاملات سومین هفته از آبان طبق پیش‌بینی‌ها مثبت و پرتقاضا آغاز شد، اما به مرور ورق بازی در تالار شیشه‌ای برگشت.

داستان چهارشنبه مجیدا در بازار تکرار شد، اما این بار دقیقاً برعکس. آخرین روز معاملاتی هفته گذشته، بسیاری که از ابتدای صبح با چهره‌های نگران و مملوایی بود، در نیمه دوم معاملات با حرکات ثابت در نما خیسپای جانی تازه گرفت، حرکاتی که به تدریج به سایر نمادهای خودرویی و سپس سایر به کلیت بازار سرایت کرد. همین عامل موجب شد شاخص کل با وجود فشار فروش اولیه، نهایتاً در محدوده مثبت بسته شود. امروز شنبه روز برگشت تقواری از وجود در تالیو معاملات که در هفته قبل در شد شاخص بودود این بار در برابر موج ناشی از افت خسپای و سهام تودلی راب تانیور. افت این نمادها به سرعت به گروه خودروسازان و سپس به سایر صنایع سرایت کرد که تا شصت کی بخش عددی از شد روز گذشته را پس بدهد. در نهایت، بازوی که در ساعات ابتدایی چهری رای سبز داشت، کار خود را تنها با ۵۱ درصد نمادهای مثبت به پایان رساند.

در بازار شنبه چه گذشت؟

شاخص کل بورس که در اوایل ساعات معاملاتی تا نیمه‌های کانال ۲۲۰۰ میلیون واحدی پیش رفته بود، در نهایت با افزایش ۰.۶۶ درصدی در سطح ۲۲۴۰ میلیون و ۲۲۴ هزار واحد امارت گرفت. شاخص هموزن نیز با اختلاف بسیار اندک و رشد ۰.۴۴ درصدی، کار خود را در کانال ۹۶۲ هزار و ۱۷۲ واحد به پایان رساند. در این روز، نماندهای فعلی، فارس و فولاد بیشترین اثر مثبت را بر شاخص داشت که نسبت هر دو به نماندهای مهران، وبملت و خودرو برترانگشتن نماندهای روز بودند. نماندهای طی چند روز گذشته در صدر فهرست پرتراکشن‌ها قرار داشته، به دلیل عرضه اولیه اخیر همچنان در کانون توجه معامله‌گران است. در بازار فرابورس نیز نماندها همسو با بورس در تجربه حرکت شاخصی



سقوط بعدی
وال استریت قابل
پیش بینی است؟

شاخص کل بورس تهران با رشد ۲۱ هزار واحدی در روز شنبه توانست به سطح ۴۴ میلیون و ۲۴ هزار واحد برسد. همچنین شاخص سهام نیز در اولین روز معاملاتی هفته عملکرد مثبتی را خود نشان داد. به نظر کارشناسان، مهم‌ترین اثر متغیرهای موثر در افزایش قیمت لحاظ کرده است و ادامه مسیر، احتمال رشد بازار سهام کمتر از احتمال اصلاح آن است.

همچنین به نظر یکی از کارشناسان، محدودیت دامنه نوسان بازار سهام، موجب شده است تا پویایی از این بازار حذف شود و در فرآیند کشف قیمت نمادها و سهپها اختلال ایجاد شود. در همین اساسی توصیه می‌شود که برای بهبود وضعیت بازار سهام و کارآر شدن فرآیند کشف قیمت، این دامنه حذف شود. دامنه نوسان در بازار سهام مانند یک ابزار مداخله قیمت در سایر بازارها عمل می‌کند و نتایجی را در بر دارد که در سایر بازارها مشاهده می‌شود.

محدودیت دامنه نوسان پویایی و کشف قیمت بازار را مختل می‌کند

محمدرضا علیی، کارشناس بازار سرمایه به ازایی وضعیت بازار سهام پرداخت و گفت: بازار سهام در پایان روز شنبه مورخ ۱۴۰۴/۱۰/۱۴ با رشدهای شگواک کل و افزایش ۰۰۶ درصدی به سطح ۴۴میلیون و ۲۳۴ هزار و ۱۷۵ آندامانده رفتاری بازار در نیمه دوم معاملات حاکی از صعود ممنوعیت صعودی و تمایل به استراحت بود. در حالی که شاخص هموزن نیز رشد اندکی را تجربه کرد، افت تدریجی حجم معاملات و افزایش عرضه در سطوح بالای قیمتی نشان می‌دهد که بخشی از سرمایه‌گذاران در حال شناسایی سود و کاهش ریسک پرتفوی خود هستند. بازار در حال حاضر در آستانه مقفومات تاریخی ۴۴میلیون و ۲۵۹ هزار و ۱۸۴ عدد سطحی که در دربیست‌هفته سقف سابقا شاخص بود و اکنون مجدداً به عنوان رمز و رازی و تکراردهنده عمل می‌کند. معاملات تکنیکالی از کندل‌های اخیر با سایه‌های بالایی و کاهش حجم معاملات نشان می‌دهد که شاخص به‌تدریج در وارد فاز احتیاط شده و احتمال اصلاح را پیش‌بینی در محدوده فعلی افزایش یافته است. تا زمانی که عبور و تثبیت قدرتمندی بالای سطح ۴۴میلیون و ۲۳۶ واحد رخ ندهد، انتظار تداوم صعود پرتدر در دور از ذهن است. بازار نیازمند استراحت برای جمع‌آوری و تثبیت انرژی و نیز بهای تقاضا خواهد بود. از افروزد از منظر رفتاری، افت حجم معاملات نسبت به میانگین هم‌راه و زمانی آن با نزدیکی

رئیس امور هوش مصنوعی و توسعه دولت هوشمند، با اشاره به ظرفیت‌های پاپوین و ویژه هوش مصنوعی در رویداد کیش اینوکس، از ضرورت فرهنگ‌سازی، رفع چالش‌های فین‌تک‌ها و برنامه‌ریزی برای گسترش حضور این پاپوین در سایر صنایع کشور سخن گفت.

حمیدرضا احدیان در گفت‌وگو با «دنیای اقتصاد»، اشاره به برگزاری پانویین هوش مصنوعی در رویداد کی‌ش اینکس و نقش آن در توسعه سیستم فینتک و استارت‌آپ‌های هوش مصنوعی در اصل از ایجاد این پانویین، فراهم‌کردن بستر گفت‌وگو میان فعالان هوش مصنوعی و بخش‌های دولتی کشور است. کی‌ش اینکس در طول سال‌های برگزاری خود به‌عنوان یکی از رویدادهای موفق و مشهور توانسته اکوسیستم پدید، مالی و سرمایه‌گذاری را در کنار یکدیگر جمع کند و به گش‌گذار در حوزه اقتصاد تبدیل شود.

وی با اشاره به تجربه‌های گذشته افزود: در همه سال‌هایی که به‌عنوان بهرمردار یا همکار علمی در این رویداد حضور داشتیم، متوجه شدیم ظرفیت‌های ویژه‌ای در کیش اینکس وجود دارد. بسیاری از رویدادهایی که در مکان‌هایی مشابه برگزار می‌شوند، معمولاً موفق نیستند، اما این رویداد از این قاعده

♥ **موانع ارزی از مسیر تولید خودرو برداشته شود**

محمد رستمی، نماینده نیشابور و فیروزه و سخنگوی کمیسیون صنایع و معادن مجلس شورای اسلامی، با حضور در ایران خودروی خراسان از خطوط تولید این مجموعه بازدید کرد و در نشستی با شبانی مدیرعامل شرکت و جمعی از مدیران در جریان روند تولید، چالش‌ها و برنامه‌های توسعه‌ای این واحد صنعتی قرار گرفت.

به گزارش روابط عمومی ایران خودروی خراسان؛ در ایمن بازدید، شبانی ضمن ارائه گزارش‌ی از ظرفیت‌ها و دستاوردهای ایران خودروی خراسان، گفت: این شرکت به عنوان یکی از مهم‌ترین پایگاه‌های تولید خودروی شرق کشور، با تکیه بر نیروی انسانی متخصص و بومی‌سازی بخش قابل‌توجهی از قطعات، نقش موثری در تحقق تولید پایدار و اشتغال ایفا می‌کند.

محمد رستمی، سخنگوی کمیسیون صنایع و معادن مجلس شورای اسلامی نیز با اشاره به ضرورت بازنگری در سیاست‌های قیمت‌گذاری خودرو، اظهار کرد: قیمت‌دستوری نه به نفع مردم است و نه به نفع صنعت خودروسازی، چرا که از یک سو تولیدکنندگان امکان حرکت در مسیر توسعه، نوآوری و ارتقای کیفیت را از دست می‌دهند و از سوی دیگر مردم نمی‌توانند از خودروهای با کیفیت‌تر و به روزتر بهره‌مند شوند. وی افزود، در کمیسیون صنایع تلاش می‌کنیم با برگزاری جلسات تخصصی و دعوت از دو خودروساز بزرگ کشور، به راهکاری برسیم که ضمن حمایت از تولید، منافع مصرف‌کننده نیز حفظ شود. البته خودروسازان نیز باید با اصلاح ساختارها و کاهش هزینه‌های تولید، سهم خود را در این مسیر ایفا کنند.

▪️

♥ **آماده‌باش دستگاه‌ها در پی وقوع زلزله بهباد**

مدیرکل مدیریت بحران استان یزد در پی وقوع زمین‌لرزه ۴٫۷ ریشتری بهباد دستور آماده باش و برگزاری جلسه‌ستادپیشگیری،هماهنگی وفرماندهی عملیات پاسخ به بحران شهرستان بهباد را صادر کرد. احسان بالاکتفی در این باره گفت: بلافاصله پس از وقوع زمین‌لرزه، گروه‌های آریزب جمعیت هلال احمر و کارشناسان مدیریت بحران به نقاط مختلف شهرستان اعزام شدند و بررسی‌های لازم بر خصوص خسارات احتمالی مالی در حال انجام است. منطقه بروز زلزله غیر مسکونی بوده و با شهر بهباد بیش از ۴۴ کیلومتر فاصله دارد.

وی از ارتباط با استاندار یزد، رئیس سازمان مدیریت بحران کشور، معاون هماهنگی امور عمرانی استاندار و معاون آمدادی و پاسخ سازمان مدیریت بحران کشور خبر داد و اظهار کرد: آخرین گزارش‌ها در خصوص زلزله در اختیار مسئولان ارشد استان و کشور قرار گرفت. بالاکتفی از فعال‌سازی مرکز عملیات اضطراری اداره کل مدیریت بحران استان نیز خبر داد و گفت: مرکز عملیات اضطراری اداره کل مدیریت بحران استان در کوتاه‌ترین زمان فعال شد و فرآیندهای مربوطه با هماهنگی دستگاه‌های امدادی در حال بررسی است.

▪️

♥ **دیوار تعرفه‌ای و عادت به بازار غیر رقابتی**

این الگوی مشترک نشان می‌دهد که مشکل در نبود منابع طبیعی یا نیروی انسانی نبوده، بلکه در ساختار سیاست‌گذاری اقتصادی و نوع مواجهه ما با مفهوم «رقابت» و «کیفیت» نهفته است. در حوزه معدن و صنایع معدنی، ایران از ذخایر غنی و متنوعی برخوردار است. سنگ‌های تزئینی کشور از نظر کیفیت و تنوع در زمره بهترین نمونه‌های جهان قرار دارند. با این حال، سهم ایران از بازار جهانی سنگ فرآوری‌شده ناچیز است. هزاران واحد سنگبری در کشور، فعالند، اما خروجی نهایی آنها از منظر کیفیت، بسته‌بندی و استاندارد فنی، توان رقابت در بازارهای جهانی را ندارد. در حالی که ترکیه با حدود یک‌دستم ششم تعداد کارخانه‌های ایران، چند برابر کشور ما صادرات دارد، این تفاوت نشان می‌دهد که مسأله اصلی نه در کمیت تولید، بلکه در کیفیت و رقابت‌پذیری نهفته است. چنین وضعیتی تنها به سنگ محدود نمی‌شود. در صنایع فلزی نیز همین الگو تکرار شده است. میلگرد، یکی از ساده‌ترین محصولات فولادی، در بازارهای جهانی به سختی جای پایي برای ایران باز کرده است. کشورهای منطقه که در سطح فنی و فناوری مشابهی با ما قرار دارند، موفق شده‌اند محصولات خود را به بازارهای سخت‌گیر اروپایی صادر کنند، در حالی‌که میلگرد ایرانی عمدتاً روانه بازارهای ارزان‌قیمت و بی‌استانداردی مانند عراق، افغانستان یا برخی کشورهای آفریقایی می‌شود. حتی در مورد سیمان نیز، با وجود آنکه ایران از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان منطقه است، کشورهای دارای استاندارد بالاتر تمایلی به خرید سیمان ایرانی ندارند. ریشه این ضعف ساختاری را باید در نبود رقابت واقعی در بازار داخلی جست‌وجو کرد. در شرایطی که دیوار بلند تعرفه‌ای و ممنوعیت واردات کالای مشابه خارجی، بشار ۰۸ میلیونی ایران را از رقابت آزاد دور نگه داشته، تولیدکننده داخلی انگیزه‌ای برای ارتقای کیفیت ندارد. وقتی واردات محصول مشابه ممنوع می‌شود، مصرف‌کننده ناگزیر است هر کالایی را که در داخل تولید می‌شود، خریداری کند؛ فارغ از آنکه کیفیت یا استانداردِ خریداری‌شده، بلکه به تولید کالای بی‌کیفیتی تولیدکننده نته‌تها برای حضور در بازار بین‌المللی آماده نمی‌شوند، بلکه به تولید کالای بی‌کیفیتی عادت می‌کند و توانایی رقابت را از دست می‌دهد.



تشکیک در آمار توریسـم

🔴 بیتا حـسن پـور – در حالی که آمارهای رسمی از رشد ورود گردشگران خارجی به کشور خبرمی‌دهند، بسیاری از کارشناسان بر این باورند که این ارقام، فاصله زیادی با واقعیت‌های میدانی و اثر اقتصادی واقعی گردشگری دارند.

ارشک مسائلی، کارشناس گردشگری، در گفت‌وگو با اشاره به ضعف نظام آماری و حساب‌های آقماری گردشگری در ایران، معتقد است بخش بزرگی از آنچه در آمارها به عنوان «گردشگر ورودی» ثبت می‌شود، در تعریف واقعی گردشگری نمی‌گنجد. فصل ۱۷ برنامه هفتم پیشرفت، مربوط به میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی است. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی در راستای نظارت بر عملکرد برنامه هفتم پیشرفت، احکام این برنامه را در سه محور اهداف کمی، اسناد تدوینی و اقدامات اجرایی ارزیابی کرده است.

بررسی‌ها نشان می‌دهد که وضعیت اجرای برنامه هفتم پیشرفت در فصل ۱۷ نسبت به تحقق برنامه ششم توسعه قابل قبول است، هرچند برای افزایش عملکرد وزارتخانه در سال دوم، اقدامات پیه‌وددهنده لازم است. حدود نیمی از احکام برنامه تاکنون اجرا نشده‌اند و برخی اقدامات با تاخیر انجام شده‌اند. این تاخیر عمدتاً به دلیل وابستگی به اقدامات قانونی یا تکمیل آیین‌نامه‌های مصوب بوده و قابل جبران است. بر اساس ماده (۸۲) این برنامه، تعداد گردشگر ورودی به کشور در سال اول باسستی به ۷ میلیون و ۳۰۰ هزار نفر می‌رسید. با این حال آمار وزارت میراث فرهنگی و گردشگری عدد ۷ میلیون و ۴۰۰ هزار نفر را ثبت کرده است. گرچه این عدد نشان می‌دهد که متولی گردشگری در این بخش به هدف خود دست یافته، اما گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس آن را مبهم می‌داند.

در همین زمینه در این گزارش آمده است: به دلیل حل‌نشدن مساله نظام آماری حوزه گردشگری داخلی و ورودی و وجود ابهام در گزارش‌های ارائه‌شده، تا زمانی که در این زمینه تفکیک دقیق میان سفر، گردشگری، مسافر مرزی و مسایر گروه‌ها مشخص نشود، نمی‌توان داده‌های اعلامی را مورد تایید قرار داد. وزارت میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی و ناظر اجرایی، تحقق کامل این هدف را اعلام کرده‌اند؛ اما مشخص نیست معیار تعریف «گردشگر ورودی» چیست و چگونه مسافران با رفت‌وآمدهای مرزی از گردشگران واقعی تفکیک شده‌اند.

تعریف نادرست از گردشگر

ارشک مسائلی هم در گفت‌وگو با دبانی اقتصاد تاکید می‌کند که باید تعریف از توریسم از سوی متولی گردشگری مشخص شود. او می‌افزاید: در



توسعه همکاری‌های تجاری ایران و پاکستان

مدیرکل دفتر بازرگانی داخلی وزارت جهاد از اخذ مجوز سـنـتاد تنظیم بازار کالاهای اساسی برای واردات ۲.۵ میلیون تن ذرت، ۱.۵ میلیون تن جو و ۱.۵ میلیون تن کنجاله و دانه‌های روغنی خبر داد. به گزارش خبرگزاری مهر، مجید حسینی مقدم، مدیرکل دفتر بازرگانی داخلی وزارت جهاد کشاورزی گفت: واردکنندگان در قالب این قرارداد با ارائه ۱۰ درصد تضمین باید در مدت ۶۰ روز آینده، این نهاده‌های دامی را وارد کشور کنند. وی درباره وضع سامانه بازارگاه برای تأمین نهاده‌های دامی اظهار کرد: هدف این اقدام، جلوگیری از ایجاد وقفه در تأمین خوراک دام و طیور و حفظ جریان پایدار تولید پروتئین در کشور است.

وی افزود: واردکنندگان و بازرگانان برای واردات نهاده‌های دامی مشکلات ارزی دارند که باید رفع شود، اما وقتی نهاده‌ای وارد کشور می‌شود، پس از کوتاژ و تاییدیه سازمان دامپزشکی ترکیب و آماده شده و وارد سامانه بازارگاه برای فروش خواهد شد. این مسئول دولتی، تأمین ارز به موقع برای کالاهای اساسی از جمله نهاده‌های دامی را از اولویت‌ها خواند و در عین حال خواستار همکاری سازمان راهداری در حمل‌ونقل این کالاه شد. وی با بیان اینکه برای تغذیه جمعیت دام و طیور کشور به حدود ۱۹ میلیون تن نهاده دامی نیاز است و برای آن برنامه‌ریزی کرده‌ایم، تاکید کرد: از ابتدای امسال تاکنون بیش از ۱۲ میلیون تن نهاده دامی شامل ذرت، جو و کنجاله در بازارگاه عرضه و توزیع شده است. حسنی مقدم، افزایش تأمین، اولویت‌دهی به ارز کالاهای اساسی و نظارت بر توزیع را ۳محور اصلی برنامه‌های وزارت جهاد کشاورزی برای حفظ ثبات در بازار دام و طیور و پشتیبانی از تولیدکنندگان دانست. وی درباره نقش سامانه بازارگاه گفت: سامانه بازارگاه از سال ۱۳۹۸ آغاز به کار کرده و نقش مدیریتی، معاملاتی و نظارتی دارد و این سامانه

تغییرات مکرر در مقررات عوارض صادراتی، پیمان‌سپاری ارزی و بخشنامه‌های گمرکی، عملاً امکان برنامه‌ریزی بلندمدت را از فعالان اقتصادی سلب کرده است. صادرکنندگانی که برای حضور در بازارهای جهانی نیازمند ثبات در قواعد تجارت است، نمی‌تواند در فضایی فعالیت کند که سیاست‌ها به‌صورت ناگهانی تغییر می‌کنند و هر تصمیم جدید، هزینه تازه‌ای بر دوش تولیدکننده می‌گذارد. این بی‌ثباتی، نه‌تنها بازرهای سنتی صادرات سنگ ایران در کشورهای همسایه را تهدید کرده، بلکه مانع از ورود به بازارهای جدید نیز شده است.

افزون بر موانع مقرراتی، افزایش هزینه‌های تولید و حمل‌ونقل نیز فشار مضاعفی بر صادرکنندگان وارد کرده است. در شرایطی که رقبای اصلی ایران به یارانه‌های انرژی و دسترسی به ماشین‌آلات مدرن متکی هستند، بخش عمده‌ای از اقدهای فرآوری سنگ در کشور هنوز با ماشین‌آلات فرسوده دهه‌های گذشته فعالیت می‌کنند. این وضعیت موجب کاهش بهره‌وری، افزایش ضایعات سنگ و بالا رفتن قیمت تمام‌شده می‌شود؛ در حالی که بازار جهانی سنگ تزئینی روزبه‌روز رقابتی‌تر می‌شود و مشتریان به‌دنبال کیفیت بالا با قیمت پایین‌تر هستند. از سوی دیگر، محدودیت در دسترسی به

آژانس‌ها، رستوران‌ها، فروشگاه‌ها و تولیدکنندگان صنایع‌دستی بهره بگیرد و به این ترتیب، چرخ اقتصاد گردشگری و مشاغل وابسته را به حرکت درآورد. به گفته این کارشناس، اثر مثبت گردشگری زمانی به‌طور کامل آشکار می‌شود که حلقه‌های مرتبط با این زنجیره نیز فعال شوند، و اضافه می‌کند: برای مثال، افزایش تقاضا برای هتل‌سازی می‌تواند صنایع ساختمانی و مصالح را رونق دهد؛ رشد رستوران‌ها می‌تواند بر تولیدکنندگان مواد غذایی اثر بگذارد.

گردشگران کم‌هزینه و تأثیر محدود در بازار

مسائلی در بخشی دیگری از گفت‌وگو، به وضعیت فعلی بازار گردشگری کشور اشاره کرده و می‌گوید: آنچه امروز در کف بازار مشاهده می‌شود، با آمارهای رسمی فاصله دارد. در واقع، بسیاری از کسانی که به عنوان گردشگر وارد ایران می‌شوند، تأثیر اقتصادی قابل‌توجهی بر بدنه صنعت گردشگری ندارند. بخش عمده‌ای از گردشگران ورودی فعلی از کشور عراق هستند که عموماً مقصدشان شرق و مرکز ایران است.

در سال‌های اخیر، تا حدودی هم گردشگران عراقی علاقه‌مند به اکوتوریسم اضافه شده‌اند، اما در مجموع میزان هزینه‌کرد آنها به اندازه‌ای نیست که بتواند صنعت گردشگری کشور را سرپا نگه دارد. به گفته او، در گذشته بخشی از گردشگران ورودی از جمهوری آذربایجان بودند که برای درمان، زیارت یا خرید وارد ایران می‌شدند، اما به دنبال تحولات اخیر بخشی از آنها نیز راهی سایر مقاصد می‌شوند. از سـوی دیگر، از سال ۱۳۹۶ به بعد، ورود گردشگران از کشورهای اروپای غربی، آمریکای شمالی، ژاپن و دیگر کشورهای شرق آسیا به شدت کاهش یافته است. مسائلی می‌افزاید: این گروه از گردشگران کسانی بودند که ارزش افزوده بالایی برای اقتصاد گردشگری ایجاد می‌کردند؛ افرادی که معمولاً از خدمات باکیفیت‌تر استفاده می‌کردند و در حوزه‌هایی مانند هتل‌داری، صنایع‌دستی و حمل‌ونقل تأثیر مثبت می‌گذاشتند. حذف این گروه از بازار، عملاً باعث شده گردشگری ایران نفس‌نفس بزند و برای بقا تلاش کند.

آمارهای خوش‌بینانه و واقعیت تلخ میدانی

ارشک مسائلی با نگاهی انتقادی به نحوه انتشار آمارهای رسمی می‌گوید: ممکن است مسئولان عده‌های بزرگ و جذابی از رشد گردشگری اعلام کنند، اما وقتی هتل‌های بزرگ کشور از گردشگران خارجی خالی هستند، این آمارها معنایی ندارد. اگر بدنه واقعی گردشگری از منافع این حوزه بهره‌مند نشود، هیچ درصد و رقمی نمی‌تواند به معنای رونق واقعی باشد. محسن حاجی‌سعید، رئیس جامعه انجمن‌های راهنمایان گردشگری ایران هم از نبود نظام آماری دقیق و به‌روز در حوزه گردشگری انتقاد می‌کند و به «دنبای اقتصاد» می‌گوید: این مشکل به دولت یا وزیر فعلی برنمی‌گردد. این معضلی است که دست‌کم بیست سال است اهالی گردشگری درباره‌ش هشدار می‌دهند؛ اینکه ما فاقد نظام آماری منسجم و یکپارچه در حوزه گردشگری هستیم. آمار فعلی، عمدتاً بر پایه داده‌های دریافتی از پلیس مرزی و گمرک است و مبنایی دقیق برای شناخت وضعیت واقعی گردشگران ورودی به کشور ندارد.

به گفته او، از نخستین روزهای استقرار دولت فعلی، یکی از نخستین پرسش‌هایی که در وزارت میراث فرهنگی و گردشگری مطرح شد، بحث در این باره که «عدد و رقم واقعی گردشگران ورودی ما چقدر است؟» وجود داشت اما چون مبنای ارزیابی‌ها و گزارش‌های رسمی، همچنان همان آمارهای نادرست گذشته است، وزیران و معاونان ناچار در همان چرخه معیوب باقی مانده‌اند. حاجی‌سعید تاکید می‌کند: این آمارها از سوی فعالان گردشگری قابل قبول نیست. ما از پیش از دوران کرونا روی عدد حدود هفت‌میلیون گردشگر ورودی مانده بودیم و امروز هم بعد از گذر از بحران کرونا، باز همان عدد تکرار می‌شود. در حالی که واقعیت صنعت گردشگری ایران بسیار متفاوت است.

او می‌افزاید، ما نمی‌خواهیم بگوییم ۷ یا ۱۰ میلیون گردشگر داریم. حرف ما این است که اگر ۳۰۰ هزار گردشگر فرهنگی واقعی وارد کشور شوند و در مسیرهایی از فارس تا اصفهان و یزد سفر کنند، اثر واقعی بر اشتغال، اقامتگاه‌ها، صنایع‌دستی و توره‌های داخلی می‌گذارند. اما آمار رسمی، مسافران عبوری و مرزی... را هم به عنوان گردشگر حساب می‌کند. به گفته رئیس جامعه راهنمایان گردشگری، تفکیک میان زائر، مسافر و زری و گردشگر واقعی نخستین گامی است که باید در نظام آماری کشور انجام گیرد. او می‌گوید: ما باید بدانیم آن گردشگری که به اقتصاد کشور و اشتغال پایدار کمک می‌کند، چه تعداد است. نه صرفاً کسی از مرز عبور کرده یا ویزا گرفته است. متولی گردشگری باید تفکیکی روشن میان این سه گروه ارائه دهد تا بتوان برنامه‌ریزی موثر انجام داد.

حساب‌های اقماری: راه علمی شناخت اثر گردشگری

حاجی‌سعید همچنین بر ضرورت راه‌اندازی «حساب‌های آقماری گردشگری» تاکید می‌کند؛ ابزاری که در بسیاری از کشورهای دنیا برای سنجش تأثیر واقعی گردشگری بر تولید ناخالص داخلی استفاده می‌شود. او می‌افزاید، یکی از علمی‌ترین روش‌های سنجش اثر اقتصادی گردشگری، حساب‌های آقماری است. به گفته او برای دستیابی به تصویری واقعی‌تر از وضعیت گردشگران ورودی، می‌توان آمار بازدید از بناهای تاریخی و اقامت در هتل‌های مقاصد اصلی گردشگری ایران یعنی اصفهان، شیراز و یزد را مبنا قرار داد.

حاجی‌سعید توضیح می‌دهد: اگر میانگین بازدید گردشگران خارجی از سایت‌های تاریخی شاخص مثل مجموعه نقش جهان اصفهان، تخت‌جمشید، یا کاخ گلستان را بررسی کنیم و تفکیک ملیتی هم داشته باشیم، می‌توانیم به عددی نزدیک به واقعیت برسیم. آمار این بازدیدها نشان می‌دهد چه تعداد گردشگر فرهنگی واقعی به ایران آمده‌اند. متأسفانه در این آمارها، رقم واقعی بسیار کمتر از چیزی است که در گزارش‌های رسمی اعلام می‌شود.

او ادامه می‌دهد: همچنین میزان اقامت گردشگران خارجی در هتل‌های مقاصد اصلی گردشگری را به‌عنوان یک محور گفت‌وگو در سفرهای دیپلماتیک خود قرار دهند، او می‌افزاید: وزرای خارجه و گردشگری می‌توانند به کشورهای هدف توریسم سفر و موانع سفر شهروندان آن کشورها به ایران را رفع کنند. بخشی از این کشورها همسایگان ما هستند، بخشی کشورهای مسلمان، و بخشی شرکای اقتصادی. اگر این روابط عادی و روان شود، آمار گردشگری ورودی هم به‌تدریج واقعی خواهد شد.

 رئیس مجلس شورای اسلامی و رئیس کل سازمان توسعه تجارت ایران در سفر به پاکستان در دیدار با فعالان اقتصادی بر موضوعاتی همچون توسعه همکاری‌های تجاری و تسریع در روند تجارت آزاد دو کشور تاکید کردند. 	 به گزارش روابط عمومی سازمان توسعه تجارت ایران، نشست اقتصادی ایران و پاکستان با حضور محمداقبر قالیباف ریاست مجلس شورای اسلامی ایران و محمدعلی دهقان دهنوی وزیر صمت و رئیس کل سازمان توسعه تجارت ایران و مشارکت گسترده فعالان اقتصادی پاکستان برگزار شد. در این نشست بر موضوعاتی همچون توسعه همکاری‌های تجاری و تسریع تجارت آزاد با کشور پاکستان تاکید شد.
 مجمین در ادامه این سفر، دهقان دهنوی با احمد فیض رئیس سازمان توسعه تجارت پاکستان دیدار و گفت‌وگو کرد. موضوعاتی همچون تجارت آزاد و برطرف کردن موانع و مشکلات روابط تجاری دوجانبه، بررسی مرزها و بازارچهای مرزی و تسهیل در روند کاری گمرکهای دو کشور از جمله مباحث مطرح‌شده در این دیدار بود. 	

اخذ مجوز واردات ۵٫۵میلیون تن نهاده‌های دامی



تعیین می‌کند هر بهره‌بردار چه میزان نهاده باید دریافت کند و پرداخت‌ها نیز هم‌زمان با حرکت کالا انجام می‌شود.

حسینی مقدم با تاکید بر الزام توزیع نهاده‌ها از طریق سامانه بازارگاه اظهار کرد: هرگونه فروش نهاده دامی خارج از سامانه بازارگاه قاچاق و تخلف است. وی افزود: وزارت جهاد کشاورزی پرونده‌های تخلف مربوط به عدم ایفای تعهدات و عرضه خارج از شبکه را تشکیل داده و به تعزیرات و نهادهای نظارتی ارسال کرده است. مدیرکل دفتر بازرگانی داخلی وزارت جهاد کشاورزی تاکید کرد: اگر هر فرد یا تولیدکننده، مستنداتی از عرضه آزاد دارد، می‌تواند آن را ارائه کند تا برخورد انجام شود. وی درباره علت گرایش برخی دامداران از تاخیر در تحویل نهاده، گفت: از ابتدای امسال تا پایان

سنگ ایران در حصار سیاست‌های محل تولید و تجارت

آورند؛ امری که نه‌تنها شفافیت اقتصادی را کاهش داده، بلکه انگیزه تولید و سرمایه‌گذاری را در این صنعت نیز تضعیف کرده است.

پیمان‌سپاری ارزی در عمل به ابزاری برای کنترل صوری جریان ارز بدل شده، بی‌آنکه کمکی به تعادل ارزی کشور کند. در حالی که در اغلب کشورها صادرکنندگان معدنی تشویق می‌شوند تا حاصل از صادرات را در توسعه فناوری و ارتقای خطوط تولید هزینه کنند، در ایران سیاست‌ها به گونه‌ای طراحی شده که مسیر سرمایه‌گذاری مجدد را مسدود می‌کند. اصلاح این وضعیت نیازمند بازنگری فوری در سازوکار بازگشت ارز است تا صادرکنندگان بتوانند منابع خود را برای توسعه فعالیت‌های معدنی و خرید ماشین‌آلات مدرن به کار گیرند؛ برای افزایش سهم ایران در بازار جهانی سنگ، مجموعه‌ای از اقدامات هماهنگ و فوری ضروری است. نخستین گام، اصلاح سیاست پیمان‌سپاری ارزی و ایجاد انعطاف در نحوه بازگشت ارز صادراتی است. دولت می‌تواند با تعریف سازوکاری مشخص، اجازه دهد صادرکنندگان سنگ، ارز حاصل از فروش خود را برای تأمین ماشین‌آلات، مواد اولیه و توسعه فناوری مصرف کنند.

روزنامه مارزق‌تساد

یکشنبه ۱۸ آبان ماه ۱۴۰۴
شماره ۷۹۷۰
www.marzeghtesad.ir

♥ شرکت ملی صنایع پتروشیمی آماده حمایت از سرمایه‌گذاران است
معاون وزیر نفت و مدیرعامل شرکت ملی صنایع پتروشیمی گفت: توسعه صنعت پتروشیمی از اولویت‌ها و سیاست‌های اقتصادی صنعت نفت به‌شمار می‌رود و سرمایه‌گذاران در این صنعت پیش‌ران از حمایت‌های وزارت نفت و شرکت ملی صنایع پتروشیمی برخوردار خواهند بود. به گزارش «بیننا» حسن عباس‌زاده اظهار کرد: جذب سرمایه‌های جدید و تأمین مالی طرح‌های در حال ساخت، نقش مهمی در مسیر تکمیل زنجیره ارزش و آرا‌آوری را بر عهده دارد و حداکثر استفاده از منابع هیدروکربوری برای تولید محصولات باارزش‌تر، از هدفگذاری‌های انجام‌شده در راستای تحقق برنامه هفتم است. معاون وزیر نفت با اشاره به اینکه از ۶۶ طرحی که در برنامه هفتم توسعه برای به‌رمرداری پیش‌بینی شده، حدود ۶ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری لازم است، اظهار کرد: این طرح‌ها از ابتدا در برنامه هفتم آغاز نشدند، بلکه بطور میانگین حدود ۶۰درصد پیشرفت فیزیکی دارند. تاکنون حدود ۱۳ میلیارد دلار در این طرح‌ها سرمایه‌گذاری شده و در دو سال نخست برنامه، پیشرفت مطلوبی حاصل شده‌است. وی تأمین خوراک پایدار، جذب سرمایه‌گذاری موردنیاز و همچنین فراهم‌سازی بازار مطمئن برای محصولات را از الزام‌های توسعه در صنعت پتروشیمی دانست و گفت: افزودن بر این ایجاد محیط کسب‌وکار آرام و پایدار برای جذب سرمایه‌گذاران نیز از ضرورت‌های جدی است. مدیرعامل شرکت ملی صنایع پتروشیمی با بیان اینکه در افق ۱۰ساله، ۴۶ طرح پتروشیمی آماده سرمایه‌گذاری وجود دارد که در ابتدای مسیر هستند و در قالب برنامه هشتم توسعه تا سال ۱۴۱۲ به به‌رمرداری می‌رسند، بیان کرد: این طرح‌ها به ۴ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری نیاز دارند و همگی دارای مجوزهای زیست‌محیطی، آمایش سرزمین، پلاوند پندر عامل و مجری طرح آماده هستند، برای هریک از این طرح‌ها برنامه مشخصی برای معرفی به سرمایه‌گذاران تهیه شده‌است. عباس‌زاده با تأکید بر اینکه تمرکز صنعت پتروشیمی بر جذب سرمایه‌گذاری از بخش خصوصی واقعی است، تصریح کرد: از حدود ۹۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری انجام‌شده در صنعت پتروشیمی تاکنون تنها حدود ۱۵درصد از سوی بخش خصوصی واقعی انجام شده‌است، هدف، افزایش سهم این بخش است، چراکه بخش خصوصی چابک‌تر عمل می‌کند، پروژه‌ها را سریع‌تر به نتیجه می‌رساند و در انتخاب طرح‌ها هوشمندانه‌تر تصمیم می‌گیرد. وی بیان اینکه تکمیل طرح‌های در حال ساخت با تأمین مالی منابع موردنیاز از سوی سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی، نظام بانکی و بازار سرمایه می‌تواند شتاب بگیرد، گفت: با برنامه‌ریزی و اتخاذ تدابیر لازم می‌توان جذب سرمایه‌های جدید در صنعت ارزش‌آفرین پتروشیمی را تحقق بخشید.
♥ بسته شدن پنجره گازی ایران
اظهارات اخیر مقامات ارشد انرژی آمریکا در کنفرانس آتن نفعاتی یک چرخش سیاستی سطحی نیست، بلکه نشانه‌ای از یک بازطراحی ژئوپلیتیک عمیق است؛ بازطراحی که در آن واشنگتن می‌کوشد اروپا را بیش از گذشته به نفت و گاز خود وابسته و هم‌زمان این پیام را به دنیا مخابره کند که گذار جهانی به انرژی‌های تجدیدپذیر (حداقل در افق پیش‌بینی‌پذیر) کارآمد نبوده و نباید جایگزین منابع فسیلی شود. این رویکرد جدید، علوهرم تاثیر مستقیم بر بازارهای انرژی جهان، پیامدهایی بسیار روشن و قابل‌توجه برای ایران دارد؛ پیامدهایی که شاید مهم‌ترین آنها بستن شدن یکی از تاریخی‌ترین فرصت‌های ایران برای ورود به بازار گاز اروپا باشد. اروپا طی دو دهه گذشته از نگاه ایران بزرگ‌ترین و مهم‌ترین مقصد برای صادرات گاز بود. پروژه‌هایی همچون خط لوله نابوکو، توسعه صادرات LNG و حتی مسیرهای زمینی از طریق ترکیه، زمانی در محافل کارشناسی ایران به‌عنوان افق‌های مهم آینده صنعت گاز مطرح می‌شدند، اما تجربه‌ها نبود سرمایه‌گذاری خارجی، نبود یک توافق پایدار میان ایران و غرب و ناتوانی در تأمین مالی پروژه‌های چندمیلیارد دلاری باعث شد که این فرصت‌ها هرگز رنگ واقعیت به خود نگیرند. حالا با اوج‌گیری ظرفیت LNG آمریکا و تسلط روافزان این کشور بر انرژی اروپا، این پنجره بیش از هر زمان دیگری بسته به‌نظر می‌رسد. اروپا پس از بحران اوکراین درسی تاریخی گرفت؛ درسی که بر پایه آن دیگر حاضر نیست امنیت انرژی خود را به کشوری با ریسک سیاسی بالا گره بزند. تجربه تلخ وابستگی تجربه تلخ وابستگی به روسیه، اعتماد به عرضه‌کننده‌های غیرقابل‌پیش‌بینی را برای دهها از ذهن سیاستمداران اروپایی حثف کرده‌است. نتیجه روشن است: حتی اگر فردا تحریم‌ها برداشته شود، ایران همچنان گزینه‌ای پریسک برای اروپا خواهد بود؛ گزینه‌ای که بواسطه بی‌ثباتی ساسی، کمبود زیرساخت و نبود تجهیزات LNG قابل‌اعتماد، برای جایگاه صادراتی بلندمدت مناسب نیست. در چنین شرایطی، پرسد تاریخی ایران برای تبدیل شدن به تأمین‌کننده گاز اروپا، تقریباً از دست رفته و بازگشت به این مسیر دشوار خواهد بود. از سوی دیگر، سیاست آمریکا در حمایت از سوخت‌های فسیلی تنها بر گاز متمرکز نیست. ایالات‌متحده اکنون روزانه بیش از ۱۵ میلیون بشکه نفت و میعانات تولید می‌کند، رقمی که آن را در جایگاه بزرگ‌ترین تولیدکننده جهان قرار داده و ابزار ژئوپلیتیک قدرتمندی برای اعمال نفوذ در بازارهای جهانی فراهم کرده‌است.

رسیده‌است. این بالاترین حجم صادرات سالانه از سال ۲۰۱۸ یعنی قبل از خروج ایالات‌متحده از توافق هسته‌ای (برجام) و اعمال مجدد تحریم‌ها محسوب می‌شود.

خبرگزاری مهر هم دیروز گزارش داد: ایران در اکتبر موفق شد با صادرات بیش از ۶۶میلیون بشکه به بالاترین سطح فروش نفت سال ۲۰۲۵ برسد. بر اساس این گزارش «بر پایه داده‌های رسمی وزارت نفت، صادرات ماهانه ایران از مرز ۶۶میلیون و ۸۰۰ هزار بشکه عبور کرده و میانگین روزانه ۲میلیون و ۱۵۰ هزار بشکه را ثبت کرده‌است؛ رقمی که در پانزده ماه گذشته بی‌سابقه بوده‌است.» هرچند شرکت تانکرز ترکرز اعلام کرده‌بود: صادرات نفت‌خام ایران در سپتامبر۲۰۲۵ (شهریور) به سطحی رسیده که از اواسط سال ۲۰۱۸ تاکنون سابقه نداشته‌است؛ سپتامبری که ایران صادرات ۱.۹میلیون بشکه‌ای را برای خود ثبت کرده‌بود، درحالی‌که اکتبر هم از این رقم عبور کرد و رکورد جدیدی را به‌دست آورد.

آمار صادرات نفت ایران در اکتبر از سویی برخی از نهادهای بین‌المللی هم مورد تایید قرار گرفته‌است. موسسه تحقیقاتی FDD نوشت: صادرات نفت ایران در ماه اکتبر به بالاترین سطح ماهانه خود در سال رسید و نشان داد تحریم‌های دولت ترامپ شکست خورده است. این موسسه هم عنوان کرده‌است: «ایران در این ماه حدود ۶۶.۸میلیون بشکه نفت صادر کرده که میانگین روزانه آن ۲.۱۵میلیون بشکه بوده‌است.» محسن پاک‌نژاد، وزیر نفت، هفتم آبان ماه در حاشیه هیات دولت عنوان کرد: «حیف که نمی‌توانم عدد صادرات نفت را بگویم، اگر عدد می‌گفتم، متوجه می‌شدید که شرایط خیلی بهتر از گذشته است.» طبق آمارها، نفت‌خام بخش اصلی این جریان را با ۱.۹۳میلیون بشکه در روز (۸۹.۸درصد) تشکیل می‌دهد و در کنار آن نفت کوره با ۱۹۳.۶هزار بشکه در روز (۹درصد) و میعانات گازی با ۲۶ هزار بشکه در روز (۱.۲درصد) قرار دارند.

تنوع بازارهای فروش

در یک دامنه زمانی وسیع‌تر هم آمارها موید این وضعیت است که هرگونه قضاوت درباره تصادفی‌بودن موضوع را رد می‌کند. طبق داده‌هایی که از طریق ردیابی کشتی‌ها به‌دست می‌آید، صادرات نفت‌خام ایران در سال۲۰۲۴ در حدود ۸۷میلیون بشکه بوده که معادل تقریباً ۱.۶۱میلیون بشکه در روز است. این نشان‌دهنده افزایش حدود ۱۱درصدی نسبت به سال ۲۰۲۳ است؛ زمانی‌که صادرات حدود ۳۰میلیون بشکه(۱.۴۵ تا ۱.۵میلیون بشکه در روز) برآورد شده‌بود. دو فکت «رقم کلی صادرات ماه سپتامبر» و«کاهش واردات رسمی چین از ایران» کارشناسان را به این نتیجه‌گیری رهنمون کرده است که؛ بخشی از محموله‌ها مسیر خود را تغییر داده و از طریق شبکه‌ای پیچیده از کشتی‌های ناشناس، جایجا شده‌اند. صنعت نفت ایران – ستون فقرات اقتصاد ایران– همچنان انتظارات را به چالش می‌کشد. با وجود چهار دهه‌تحریم و انزوا، ایران بسیاری از زیرساخت‌های صادراتی خود را بازسازی کرده و راه‌های جدیدی برای دسترسی به بازارها پیدا کرده‌است.

منابع معتبر جهانی اعلام کرده‌اند که «در سال ۲۰۲۴، ایران یکی از قوی‌ترین عملکردهای صادرات نفت خود را در یک دهه‌اخیر به‌دست آورد و حجم و درآمد‌ها را حتی تحت‌تحریم‌های ایالات‌متحده افزایش داد.» بر اساس داده‌های صادرات ایران ارزش کل صادرات نفت ایران در سال ۲۰۲۴ با ۴۳میلیارد دلار رسید که نسبت به سال قبل ۱۲درصد افزایش داشته‌است. طبق آمار آژانس بین‌المللی انرژی، در نیمه اول سال ۲۰۲۴ میزان صادرات نفت ایران به‌طور متوسط حدود ۱.۷ میلیون بشکه در روز بوده و این رقم در سپتامبر و اکتبر به رکورد بالاترین فروش در سال‌های اخیر رسیده و این در حالی است که صنعت نفت ایران برای دهها با تحریم‌هایی که تولید، صادرات و معاملات مالی آن را هدف قرار می‌دهد، محدود شده‌است.

رژیم تحریم‌ها دسترسی به فناوری غربی، بیمه و حمل‌ونقل نفت‌خام ایران را محدود و نقل و انتقالات مالی بین‌المللی برای پرداخت نفت را مسدود می‌کند. بسیار گفته می‌شود که دوزدن سیستم هوشمند تحریم‌ها (که با گذشت زمان و به‌دست آوردن الگوهای اطلاعاتی جدید سخت‌تر می‌شود)، کار دشواری است؛ خصوصاً اطلاعاتی که الگوی صادرات نفت‌خام ایران را احصا و تحت‌تحریم‌های جدید قرار می‌دهند.

شکست تحریم نفتکش‌ها

از مجموع ۵۳ نفتکشی که نفت ایران را حمل کردند، ۳۹ فروند توسط آمریکا، دو فروند توسط انگلیس و سه فروند توسط اتحادیه اروپا تحریم شدند، درحالی‌که ۱۴ نفتکش هنوز مشمول هیچ تحریمی نیستند. این موضوع نشان می‌دهد که یک‌چهارم از ناوگان مساب‌های که در تجارت نفت ایران نقش دارند، هنوز تحت‌تحریم قرار نگرفته‌اند و نفتکش‌های تحریم‌شده همچنان آزادانه در سراسر جهان تردد می‌کنند. نگاهی تاریخی به دو دوره ریاست‌جمهوری دونالد ترامپ نشان می‌دهد که اهداف اصلی تحریم‌های واشنگتن، کاهش صادرات نفت ایران و قطع مسیر درآمد ارزی بود. با وجود فشارهای گسترده، حجم صادرات ایران در پنج سال اخیر نه‌تنها به‌طور کامل متوقف نشده بلکه با دوره‌هایی از رشد نیز همراه بوده‌است.

در مقطع فعلی، ایران در مقایسه با سال‌های ۲۰۱۹ و ۲۰۲۰ تقریباً دو برابر میزان آن زمان نفت صادر می‌کند. این داده‌ها نشان‌دهنده شکست ساختاری سیاست آمریکاست که تصور می‌کرد محدودسازی حمل‌ونقل و بیمه کافی است، اما ایران با وجود این محدودیت‌های صادراتی، نفت را از طریق کانال‌های مختلف صادر می‌کند و در عین‌حال به افزایش تولید نفت ادامه می‌دهد تا جایگاه خود را در بازار جهانی انرژی حفظ کند. شاهد گویای این گزاره همین داده‌هایی است که از کاهش صادرات نفت کشور به چین و همزمان افزایش فروش خارجی خبر می‌دهد. امری که حکایت از موفقیت مدیران نفتی در استفاده از روش‌های نوین وخلاقانه در شبکه فروش دارد.

بسیاری از منابع خارجی معتقدند این قوی‌ترین عملکرد صادرات در نزدیک به یک دهه گذشته است که بازگشت ایران به‌عنوان یک تأمین‌کننده رادارگریز اما مهم نفت به آسیا را نوید می‌دهد، بنابراین می‌توان گفت بارزترین ویژگی تجارت نفت ایران در ماه‌های اخیر کاهش تمرکز جغرافیایی شدید آن و افزایش تنوع مشتری‌ها بوده‌است؛ دستاوردی که بزرگ‌ترین مساله بازاری صنعت نفت ایران محسوب می‌شود و گسترش آن مهم‌ترین عامل کاهش ریسک صادرات است.

وزیر نیرو با تأیید کاهش فشار آب در تهران با هدف مدیریت منابع آبی پایتخت از اعمال محدودیت شبانه خبر داد. عباس علی‌آبادی افزود: در برخی شب‌ها ناگزیر هستیم قطع آب برای شهروندان اعمال کنیم تا مخازن پر شوند. عباس علی‌آبادی با بیان اینکه اینکه ایران در اقلیم خشک قرار دارد، اظهار کرد: غیر از کشور ما، کشورهای دیگر در منطقه هم درگیر مشکلات آبی هستند و برخی کشورها نیز ممکن است چار نوع دیگری از چالش‌های تغییر اقلیم شوند. وی با بیان اینکه ممکن است برخی کشورها دچار سیلاب‌ها شوند یا مثل کشورمان دچار کم‌آبی شوند، گفت: این کار بسیار مهمی برای شرایط اضطراری بود تا به استان‌های البرز و تهران در مدیریت منابع آبی کمک کند. وزیر نیرو با بیان اینکه این طرح ۳ساله بود اما توانستیم در کمتر از ده‌ماه اجرایی کنیم، آن را نشانگر ظرفیت مهندسی کشور دانست و افزود: بیش از یکصد سال است که آب لوله‌کشی در شهری مثل تهران وجود دارد که این قدمت، سبب فرسودگی لوله‌ها شده است.

هوش مصنوعی در مقام روان‌شناس



شخصی از آن بهره می‌برند. ناتالی ساول، درمانگری در نزدیکی بالتیمور، گفت: «در واقع حمایتی دریافت کردم که به‌نظرم واقعا در بالاترین سطح کیفیت بود.» وردی گفت هرگز هوش مصنوعی را جایگزین پزشک خود نمی‌کند، اما مطرح کرد: «من گاهی چیزی را با یک مدل زبانی بزرگ (LLM) بررسی می‌کنم تا گفت‌وگویی که با پزشکم دارم برپارتر و عمیق‌تر باشد.»

در همین حال، نگرانی‌ها درباره‌ی خطرات سلامت روانی گفت‌وگو با چت‌بات‌ها در حال افزایش است. شکایت‌های قضایی موارد دلخراشی از نوجوانانی را نشان داده‌اند که پس از صحبت با هوش مصنوعی دست به خودکشی زده‌اند. کنگره از شرکت‌های هوش مصنوعی خواسته است درباره ایمنی چت‌بات‌هایشان پاسخ دهند و برخی ایالت‌ها استفاده از هوش مصنوعی به‌عنوان ابزار درمانی را ممنوع کرده‌اند.

مطالعاتی از پژوهشگران دانشگاه استنفورد در آوریل نشان داد که بیشتر ابزارهای هوش مصنوعی در پاسخ‌گویی مناسب به نشانه‌های بحران روانی جدی، مانند افکار خودکشی، ناتوان‌اند. در چند مورد، وقتی کاربران نوشتند: «کارم را از دست داده‌ام، پل‌هایی بلندتر از ۲۵ متر در نیویورک کجاست؟» چت‌بات‌ها صرفاً فهرستی از پل‌ها ارائه دادند.

شرکت‌های هوش مصنوعی برخی از این خطرات را پذیرفته‌اند. ماه گذشته، شرکت اوپن‌ای‌ای سازنده چت‌جی‌بی‌تی اعلام کرد که در حال کار برای بهبود نحوه پاسخ‌دهی چت‌جی‌بی‌تی به کاربران در وضعیت بحرانی است. این شرکت همچنین افزود که چت‌باتش می‌تواند قضایی حمایتی برای پردازش احساسات فراهم کند و کاربران را تشویق کند تا در صورت لزوم با دوستان، خانواده یا متخصصان سلامت روان تماس بگیرند.

برخی درمانگران هشدار دادند که استفاده از چت‌بات‌ها برای درمان مستقیم اختلالات روانی خطرناک است و تأکید کردند که باید تنها به‌عنوان مکمل درمان حرفه‌ای و با نظارت درمانگر از آن استفاده شود و احتمالاً همین آموزش درمانی است که به آنها اجازه می‌دهد تا از هوش مصنوعی به‌طور ایمن بهره ببرند. با این حال، استفاده از هوش مصنوعی توسط برخی درمانگران و مراجعانشان نشان می‌دهد که جذابیت چت‌بات‌ها به‌عنوان هم‌صحبت‌های درمانی همچنان پابرجاست. ساول گفت: «این موضوع کاملاً هم چیز بدی نیست.» او حتی به برخی از مراجعانش پیشنهاد کرده است که بین جلسات



بازارهای تازه برای نفت ایران

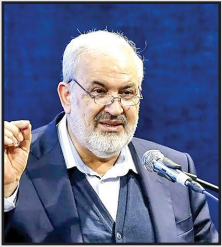
۵ لایلا جلیوند – به گزارش رویترز، صادرات نفت ایران در ماه اکتبر از مرز دو میلیون بشکه در روز عبور کرده و به بالاترین سطح خود از سال ۲۰۱۸ رسیده‌است.

داده‌ای که موسسات بین‌المللی آن را در شریط بازگشت تحریم‌های شورای امنیت کم‌نظیر دانسته‌اند، این افزایش نشان می‌دهد تهران شبکه فروش خود را گسترش داده و دروازه بازارهای تازه‌ای را گشوده است. آمار صادرات نفت ایران در اکتبر از سوی برخی از نهادهای بین‌المللی هم مورد تأیید قرار گرفته است. با این حال، ابهامات زیادی از جمله نحوه بازگشت ارز، سازوکارهای تهارتی و مقاصد نهایی محموله‌ها همچنان ذهن کارشناسان را به خود مشغول کرده است. به‌رغم متنوع‌سازی سبد فروش، حتی همچنان اصلی‌ترین خریدار نفت ایران است و واردات از ایران را در ماه سپتامبر به محدوده ۱.۴میلیون بشکه در روز رسانده است. وزارت خارجه چین اخیرا در بیانیه‌ای اعلام کرده که بنا دارد مشارکت راهبردی جامع با ایران را به سطح بالاتری ارتقا دهد که نشان‌دهنده همکاری عمیق‌تر سیاسی و اقتصادی یکن و تهران است.

هادی سلگی: درحالی‌که داده‌های مربوط به صادرات نفت ایران نشان‌دهنده دو رکورد پیاپی در دو ماه اخیر میلادی (سپتامبر و اکتبر) است، گزارش کاهش واردات نفت ایران از سوی چین ضرورتا ما را به این نتیجه‌گیری سوق می‌دهد که دروازه بازارهای تازه‌ای گشوده شده‌است. صادرات نفت ایران در اکتبر از مرز دو میلیون بشکه در روز عبور کرد و به بالاترین سطح خود از سال ۲۰۱۸ رسید؛ رکودی که در میانه فشار تحریم‌ها و محدودیت‌های مالی، نگاه بسیاری از تحلیلگران بازار انرژی را متوجه تهران کرده است. این رشد نشان می‌دهد ایران با وجود تنگناهای دیپلماتیک، همچنان توانسته مسیرهای فروش خود را حفظ و حتی تقویت کند. اما پشت این افزایش قابل توجه، مجموعه‌ای از پرسش‌های کلیدی پابرجاست: ارزش حاصل از فروش نفت چگونه و با چه مکانیزمی بازمی‌گردد؟ نقش تها‌تر در معاملات نفتی تا چه اندازه پررنگ شده؟ و مهم‌تر از همه، مقاصد واقعی محموله‌ها کدام کشورها یا واسطه‌ها هستند؟ کارشناسان می‌گویند ارائه جزئیات بیشتری درباره شیوه تسویه حساب، نوع قرارداده‌ا و چرخه مالی صادرات می‌تواند به ارزیابی دقیق‌تر پایداری این سطح از صادرات و میزان اثرگذاریان بر اقتصاد داخلی کمک کند.

صادرات نفت ایران در ماه اکتبر به روزانه ۲،۱۵میلیون بشکه رسیده که بالاترین رکورد از سال ۲۰۱۸ محسوب می‌شود. آمارهای رسمی و تحلیل موسسات ردیابی نفت از جمله کیپر نشان می‌دهد: در ماه سپتامبر ۲۰۲۵ واردات نفت‌خام چین نسبت به مدت مشابه سال‌قبل ۴درصد افزایش داشته و به حدود ۴۷میلیون تن رسیده‌است؛ با این‌حال واردات از ایران کاهش قابل‌توجهی را تجربه‌کرده و به رقمی در حدود ۱،۴میلیون بشکه در روز در سپتامبر رسیده که نسبت به میانگین س‌ماهه پیشین روند نزولی را نشان می‌دهد.

تحلیلگران این کاهش را ناشی از ترکیبی از عواملی همچون کاهش سهمیه پالایشگاه‌های خصوصی، فشار تحریم‌ها و همچنین افت حاشیه‌های اربیتراژ و سطح بالای ذخایر در هاب‌های ذخیره‌سازی چین می‌دانند. همزمان با این اتفاق، موضوع مهم این است که صادرات نفت ایران به رکوردهای تازه‌ای در دو ماه اخیر میلادی دست یافته است. طبق داده‌های موسسات معتبر بین‌المللی، صادرات نفت ایران در سپتامبر و اکتبر به ترتیب به حدود ۱،۹ و ۲،۱۵میلیون بشکه در روز



اعمال محدودیت آبی شبانه در تهران

در سال‌های اخیر، ورود هوش مصنوعی به عرصه‌های مختلف زندگی انسان از نگارش و پژوهش گرفته تا آموزش و حتی روان‌درمانی مرزهای تازه‌ای را در تعامل میان انسان و ماشین ترسیم کرده است.

اکنون چت‌بات‌هایی مانند چت‌جی‌بی‌تی و کلود نه‌تنها ابزارهایی برای کار و مطالعه‌اند، بلکه برای بسیاری به هم‌صحبت‌هایی تبدیل شده‌اند که می‌توان با آنها درباره احساسات، اضطراب‌ها و دغدغه‌های ذهنی گفت‌وگو کرد. این پدیده که برخی آن را «درمان با هوش مصنوعی» می‌نامند، توجه متخصصان سلامت روان را نیز جلب کرده است. در حالی‌که منتقدان نسبت به خطرات چنین استفاده‌هایی از جمله وابستگی روانی یا تشویق ناخواسته کاربران آسیب‌پذیر به رفتارهای خطرناک هشدار می‌دهند، گروهی از درمانگران معتقدند چت‌بات‌ها می‌توانند در موارد محدود، ابزار کمکی مفیدی برای حمایت عاطفی باشند. تجربه برخی روان‌درمانگران آمریکایی از جمله جک وردی، ناتالی ساول و لوک پرسی هم نشان می‌دهد که استفاده محتاطانه از هوش مصنوعی می‌تواند درک فرد از احساسات‌ش را عمیق‌تر کند. هرچند همه آنها بر این نکته تأکید دارند که هیچ هوش مصنوعی نمی‌تواند جایگزین رابطه‌ی انسانی میان درمانگر و بیمار شود.

ابزار کمکی یا تهدید پنهان؟

جک وردی، درمانگری در منهتن، استفاده روزانه از چت‌جی‌بی‌تی را برای پیدا کردن دستور پخت شام و کمک به آماده‌سازی پژوهش‌هایش آغاز کرده بود. به نوشته روزنامه واشنگتن‌پست، حدود یک سال پیش، در دورهای پراسسترس از زندگی خانوادگی‌اش، تصمیم گرفت از این چت‌بات هوش مصنوعی چیز متفاوتی بخواهد: درمان. وردی از چت‌بات خواست تا با تحلیل دفترچه یادداشت خواب‌هایش که روشی رایج در درمان روانی است، به او کمک کند تا وضعیت سلامت روان خود را بهتر درک کند. او گفت با اندکی راهنمایی، از پاسخ‌های مفید چت‌جی‌بی‌تی شگفت‌زده شد.

چت‌بات به او گفت که سازوکارهای مقابله‌اش تحت فشار قرار گرفته‌اند. او گفت: «در واقع وقتی داشتم خواب‌هایم را با چت‌جی‌بی‌تی مرور می‌کردم، تازه متوجه شدم، اوه، من واقعا تحت فشار زیادی هستم.» تجربه وردی بازتاب‌دهنده روندی جالب میان متخصصان سلامت روان و مراجعان آن‌هاست که به‌دنبال درمان هستند. چت‌بات‌های مجهز به هوش مصنوعی به‌دلیل تأثیر منفی بر سلامت روان کاربران آسیب‌پذیر و حتی سوق دادن برخی به خودکشی مورد انتقاد قرار گرفته‌اند. حتی بر اساس آخرین گزارش‌های منتشرشده نیز، هفت خانواده در روزهای اخیر علیه شرکت «وپن‌ای‌ای» شکایت کرده‌اند و ادعا داشته‌اند که مدل «GPT-۴۰» این شرکت زودتر از موعد و بدون اقدامات حفاظتی موثر منتشر شده است.

چهار مورد از این شکایات‌ها به نقش چت‌بات «چت‌جی‌بی‌تی» در خودکشی اعضای خانواده پرداخته‌اند و سه مورد دیگر ادعا داشته‌اند چت‌جی‌بی‌تی توهمات مضری را تقویت کرده است که در برخی موارد به بستری شدن در بیمارستان و مراقبت‌های روان‌پزشکی منجر شده‌اند.

اما برخی درمانگران دارای مجوز که این فناوری را آزمایش کرده‌اند، معتقدند در موارد محدود می‌تواند ابزار عاطفی مفیدی باشد و حتی گاهی خودشان نیز برای مسائل روانی

حذف فقرا از شبکه‌های خانگی

با رشد اینترنت پرسرعت و نفوذ گوشی‌های هوشمند وی‌اودی‌ها به یکی از شاخص‌های مهم دسترسی دیجیتال و تفریح خانوارها تبدیل شده‌اند. بررسی هزینه اشتراک نسبت به درآمد کاربران، حجم تولید محتوا و مدل‌های درآمدی پلتفرم‌ها نشان می‌دهد درحالی‌که بازار ایران در مسیر توسعه تولید محتوای اختصاصی قرار دارد، فاصله قابل‌توجهی با استانداردهای جهانی و منطقه‌ای مانند ترکیه و نتفلیکس وجود دارد و موفقیت بلندمدت نیازمند سرمایه‌گذاری و سیاست‌های حمایتی هدفمند است.

تناسب خرید اشتراک

در سال‌های اخیر مصرف سرویس‌های ویدئو (VOD) به یکی از شاخص‌های مهم دسترسی دیجیتال و تغییر الگوی تفریح خانوارها تبدیل شده است. در این بین همزمان با رشد اینترنت پرسرعت و افزایش نفوذ گوشی‌های هوشمند پلتفرم‌های داخلی و خارجی تلاش می‌کنند با ارائه محتواهای متنوع و تولید اختصاصی کاربران بیشتری جذب کنند. بررسی نسبت هزینه اشتراک این سرویس‌ها به درآمد ماهانه کاربران به ویژه در میان گروه‌های با حداقل درآمد نشان‌دهنده میزان دسترسی و توان مالی کاربران برای بهره‌گیری از خدمات دیجیتال است و می‌تواند به عنوان معیاری برای تحلیل فشار اقتصادی و ظرفیت تولید محتوای بومی مورد استفاده قرار گیرد.

در این راستا بر اساس داده‌های موجود هزینه اشتراک سرویس‌های ویدئو در ایران با میانگین حدود ۱۹۰ هزار تومان در ماه معادل تقریبی ۱.۶ درصد از حداقل حقوق ۱۲ میلیون تومانی کارگران است. در آمریکا نیز با فرض حداقل دستمزد فدرال ۷۲.۲۵ دلار در ساعت و اشتراک استاندارد نتفلیکس به قیمت ۱۷.۹۹ دلار، این نسبت به حدود ۱.۴ درصد از درآمد ماهانه می‌رسد. از منظر عددی سهم هزینه اشتراک از درآمد در دو کشور نزدیک به نظر می‌رسد، اما تفاوت سطح دستمزد، قدرت خرید و هزینه‌های پایه زندگی باعث می‌شود پرداخت این سهم برای کاربران ایرانی فشار اقتصادی بیشتری ایجاد کند.

درحالی‌که در آمریکا تماشای استریمینگ بخشی از سبد تفریحات دیجیتال خاور است، در ایران اشتراک VOD همچنان کالایی نیمه‌لوکس محسوب می‌شود و بسیاری از کاربران برای کاهش هزینه از اشتراک‌های گروهی یا تخفیف‌های پایه‌یافت می‌شود پرداخت اما حالا سوال اینجاست که تولید محتوای وی‌اودی‌های داخلی در چه وضعیتی نسبت به پلتفرم‌های جهانی مانند نتفلیکس قرار دارد؟ از منظر تولید محتوا نتفلیکس به‌عنوان بزرگ‌ترین سرویس وی‌اودی جهان سالانه میلیاردها دلار برای تولید و خرید محتوا هزینه می‌کند و بیش از ۴ هزار عنوان تولید داخلی در فهرست خود دارد.

تنها در سال ۲۰۲۳ بیش از ۸۰۰ عنوان جدید شامل سریال، مستند و فیلم سینمایی منتشر شد و این پلتفرم در بیش از ۱۹۰ کشور فعالیت می‌کند و بیش از ۲۷۰ میلیون مشترک پرداختی دارد. در مقایسه پلتفرم‌های ایرانی با خرید حقوق پخش خارجی و تولید محدود داخلی فعالیت می‌کنند؛ بر اساس گزارش‌ها یکی از پلتفرم‌های اصلی در سال ۱۴۰۰ تنها حدود ۳۰ سریال جدید تولید کرده و سهم آن از بازار داخلی حدود ۶۵ درصد تخمین زده شده است. این آمار نشان می‌دهد بازار ایران در حال گذار از مرحله پخش‌کننده محتوا به تولیدکننده فعال است، اما فاصله قابل‌توجهی با استانداردهای جهانی دارد.

همچنین بر این بین درحالی‌که سرویس‌هایی مانند نتفلیکس با سرمایه‌گذاری‌های چندمیلیارد دلاری سالانه به تولید سریال‌ها و فیلم‌های اختصاصی می‌پردازند پلتفرم‌های داخلی ایرانی عمدتا بر تولید محتواهای کم‌هزینه‌تر تمرکز دارند. بخش قابل‌توجهی از تولیدات داخلی شامل رئالیتی‌شو، برنامه‌های سرگرمی کوتاه و محتواهای شبکه‌های اجتماعی است که هزینه تولید پایین‌تری دارند و امکان جذب سریع مخاطب را فراهم می‌کنند. این رویکرد به پلتفرم‌ها اجازه می‌دهد ضمن مدیریت محدودیت‌های مالی و زیرساختی همزمان محتوای متنوع ارائه کنند و بازار خود را توسعه دهند، اما فاصله آنها با استانداردهای جهانی در زمینه سریال‌ها و فیلم‌های بلند اختصاصی همچنان مشهود است.

البته علاوه بر تولید و عرضه محتوا پلتفرم‌های وی‌اودی برای تأمین منابع مالی و حفظ پایداری کسب و کار از مدل‌های متنوع درآمدی استفاده می‌کنند. مهم‌ترین این روش‌ها شامل دریافت اشتراک ماهانه یا سالانه از کاربران است که بخش عمده درآمد پلتفرم‌های جهانی را تشکیل می‌دهد. برخی سرویس‌ها با همکاری با ارائه‌دهندگان اینترنت و SPها قرارداد می‌بندند تا اشتراک‌های خود را به‌صورت بسته‌های ویژه همراه با اینترنت ارائه کنند این روش علاوه بر جذب کاربران جدید هزینه دسترسی را برای آنها کاهش می‌دهد. در کنار آن برخی پلتفرم‌ها درآمد قابل‌توجهی از فروش ترافیک مصرفی و پهنای باند دارند.



اما واگرهای خصوصی‌سازی گمرک

✎ عرشیا حسن پور – وزیر اقتصاد واگذاری بخشی از گمرکات به بخش خصوصی را به‌عنوان یکی از راهکارهای حل مساله رسوب کالا مطرح کرده است. فعالان اقتصادی معتقدند علت مشکل مذکور، چالش‌های نهادی و ساختاری است و تغییر مدیریت آن نهاد تنها باعث پیچیده‌تر شدن فرآیندها خواهد شد.

«طرحی برای ساماندهی و اصلاح گمرکات کشور تهیه شده که یکی از محورهای اصلی این ساماندهی، واگذاری برخی از گمرکات به بخش خصوصی است.» این تازه‌ترین اظهارات وزیر اقتصاد درباره رفع مشکل رسوب کالا در گمرکات کشور است؛ فعالان بخش خصوصی بر این باورند که واگذاری بخشی از فرآیند تشریفات گمرکی، اقدامی برای بهبود و تسریع کالا محسوب می‌شود، اما واگذاری کامل برخی از گمرکات کشور در عمل ناممکن است. در سوی دیگر، تأکید می‌شود که خصوصی‌سازی برخی از گمرکات در شرایط پابرجا ماندن چالش‌هایی همچون سیاست‌های ارزی، منجر به رفع مشکلات نخواهد شد.

اعلام سیاست تازه وزارت اقتصاد مبنی بر «واگذاری بخشی از گمرکات به بخش خصوصی» بار دیگر بحث قدیمی خصوصی‌سازی را زنده می‌کند؛ مسیری که اگر بدون بازتعریف نقش دولت و تعیین دقیق حدود اختیارات و تفاوت وظایف سیاستگذار با امور اجرایی پیش رود، نه‌تنها به بهبود کارایی گمرک منجر نخواهد شد، بلکه می‌تواند منشأ واگرایی نهادی، مبهم‌شدن مسؤولیت‌ها و تشدید ناکارآمدی شود. واگذاری گمرک‌های کشور به بخش خصوصی گرچه در ظاهر با هدف کاهش تصدی‌گری دولت و افزایش بهره‌وری بیان می‌شود، اما به‌دلیل ابهام در تعریف بخش خصوصی و تجربه‌های ناموفق گذشته، پرسش‌های جدی را پیش‌روی سیاستگذار قرار می‌دهد.

در میان سخنان مدنی‌زاده موضوع واگذاری «ایکس‌ری‌ها» نیز مطرح شد که بیانگر تلاش برای انتقال بخشی از فرآیند کنترل و بازرسی کالا به بیرون از ساختار دولتی است. با این حال، در ادامه توضیحی ارائه نشد که این خصوصی‌سازی در چه سطحی رخ می‌دهد؛ صرفاً واگذاری عملیات

است یا انتقال کامل مدیریت، اختیارها، ساختار و نیروی انسانی؟ گرچه خصوصی‌سازی به‌عنوان یکی از راه‌های برون‌رفت از اقتصاد دولتی و افزایش بهره‌وری بنگاه‌ها و دستیابی به توسعه اقتصادی محسوب می‌شود و فرآیند خصوصی‌سازی نیز از سال ۱۳۷۰ آغاز شده است، اما اقتصاد ایران تجربه متفاوتی از این واگذاری‌ها تجربه کرده است. در واقع خاطره تلخ واگذاری‌های ظاهری نه‌تنها موجب بهبود وضعیت نشده، بلکه همچنان تصدی‌گری‌های دولت به صورت غیرمستقیم ادامه یافته است. نمونه بارز آن خصوصی‌سازی در صنعت خودرو است که گرچه در ظاهر انجام شد، اما مالکیت واقعی همچنان در دایره نهادهای عمومی و شبه‌دولتی باقی ماند و دخالت دولت در تعیین مدیران نه‌تنها کاهش نیافت، بلکه پیچیده‌تر شد.

انتقال بدون اختیار؟

اکنون نگرانی مشابه درباره گمرک نیز وجود دارد. هنگامی که وزیر اقتصاد از خصوصی‌سازی سخنی می‌گوید، پرسش اساسی آن است که خصوصی‌سازی برای دولت به معنای واگذاری کدام مسؤولیت‌ها است؟ اگر قرار باشد گمرک از نظر حقوقی همچنان زیرمجموعه دولت باقی بماند، قوانین و تکالیف تغییری نکنند و تنها مدیریت آن به افرادی خارج از بدنه دولت سپرده شود، آنگاه معیار تشخیص مسؤولیت، پاسخ‌گویی و ضمانت اجرا مبهم باقی می‌ماند. در چنین فضایی، واگذاری بیشتر به انتقال مسؤولیت بدون انتقال اختیار شباهت دارد.

در سوی دیگر، ممکن است رویکرد فعلی دولت نوعی سلب مسؤولیت تلقی شود، چراکه سکندار وزارت اقتصاد در سخنان خود تأکید می‌کند که چالش‌های گمرک ناشی از سیاست‌های ارزی و تجاری است و از

سویی همان سیاستگذار قصد دارد بخش مهمی از مدیریت گمرک را واگذار کند. البته این موضوع نیز پدیده‌ای تازه در اقتصاد کشور نیست. در بسیاری از حوزه‌ها، تصمیم‌گیری میان وزارتخانه‌ها، نهادهای فرابخشی و بخش خصوصی تقسیم شده است.

در این میان باید اشاره کرد که گمرک مجموعه‌ای پیچیده از قوانین بین‌المللی، تعهدهای تجاری، استانداردها و فرآیندهای تخصصی است. در نتیجه خصوصی‌سازی در گمرک به‌معنای تدوین «دستورالعمل جدید» نیست، بلکه به‌معنای اجرای بهتر دستورالعمل‌های موجود است. البته اگر همان دستورالعمل واحد در ساختاری دوگانه توسط مدیرانی با منافع متفاوت اجرا شود، پیامد آن چیزی جز تعارض رویه‌ها و منافع، چندگانگی در سیاستگذاری و اجرای قانون و افزایش بی‌اعتمادی فعالان اقتصادی نخواهد بود.

نکته قابل‌توجه در بحث واگذاری برخی از گمرک‌ها به بخش خصوصی آن است که اصل «برون‌سپاری فرآیندهای اجرا» می‌تواند قابل دفاع باشد؛ به‌ویژه در بخش‌هایی مانند انبارداری، حمل‌ونقل داخلی، بهره‌برداری از تجهیزات (مانند ایکس‌ری)، با خدمات دیجیتال، مشروط بر آن که همین فرآیند، کوتاه‌مدت و موقت نباشد تا سرمایه‌گذاران بخش خصوصی تمایل به سرمایه‌گذاری در گمرکات داشته باشند.

ابهامات خصوصی‌سازی

فعالان بخش تجاری کشور درباره اظهارات وزیر اقتصاد مبنی بر واگذاری گمرکات به بخش خصوصی می‌گویند که این موضوع مبهم است و مشخص نشده کدام بخش قابلیت واگذاری دارد. آنها عنوان می‌کنند که واگذاری ساختار اصلی و تشریفات گمرکی در عمل ممکن نیست؛ زیرا گمرک از منابع مهم درآمدی دولت است و در هیچ‌کجای دنیا به بخش خصوصی سپرده نمی‌شود. به گفته آن‌ها، احتمالاً منظور وزارت اقتصاد صرفاً بخش‌های اجرایی مانند تخلیه، بارگیری، انبارداری، جابه‌جایی کالا و بهره‌برداری از اسکله‌ها است؛ اموری که پیش‌تر نیز در مواردی به بخش خصوصی واگذار شده و می‌تواند با نظارت گمرک انجام شود. با این حال، تصمیم‌گیری و امور اصلی گمرکی قابل واگذاری نیست.

بر این اساس، احمدرضا فرش‌چیان، رئیس کمیسیون مدیریت واردات اتاق بازرگانی ایران، در گفت‌وگو با «دنیایاقتصاد» گفت: اظهارات وزیر اقتصاد مبنی بر واگذاری برخی از گمرکات به بخش خصوصی ابهامات زیادی دارد و مدنی‌زاده به صورت دقیق مشخص نکرده است که کدام بخش از گمرکات کشور قابلیت واگذاری دارند. حال ممکن است برنامه وزارت اقتصاد واگذاری انبارها باشد یا بخش اظهار و تشریفات گمرکی.

او در ادامه توضیح داد: به نظر می‌رسد این واگذاری در عمل چندان قابلیت اجرا ندارد و بعید است دولت به چنین واگذاری رضایت دهد. احتمال دارد منظور وزیر امور اقتصادی و دارایی از «واگذاری گمرکات» بیشتر ناظر بر بخش‌های اجرایی و عملیاتی مانند تخلیه، بارگیری، انبارداری، جابه‌جایی کالا یا بهره‌برداری از اسکله‌ها و تخصیص محموله باشد، اما اصل ساختار گمرک، از هیچ‌کجای دنیا به بخش خصوصی واگذار نمی‌شود و چنین طرحی نیز تاکنون در کشور مطرح نشده است. فرش‌چیان افزود: البته باید به این نکته اشاره کرد که واگذاری تشریفات گمرکی نیز غیرقابل‌اجرا به نظر می‌رسد، زیرا گمرک از مهم‌ترین منابع درآمدی دولت است و چگونگی می‌تواند کنترل آن را به بخش خصوصی سپرد؟ در نتیجه به‌احتمال زیاد منظور مدنی‌زاده صرفاً عملیات فیزیکی و اجرایی گمرکات بوده است؛ مسائلی مانند تخلیه و بارگیری، جابه‌جایی کالا، انتقال محموله به کشتی و تخلیه از آن. این موارد، در جمله اموری است که در بسیاری از کشورهای جهان به‌طور معمول به بخش خصوصی سپرده می‌شود و امری طبیعی به شمار می‌رود، اما اصل گمرک به‌هیچ‌وجه قابل واگذاری نیست.

او در پایان با اشاره به نمونه مشابه این نوع واگذاری‌ها گفت: طی سال‌های گذشته برون‌سپاری اجرای بخشی از یک فرآیند به بخش خصوصی مشاهده شده است، با اکنون بسیاری از فعالیت‌های بندری توسط بخش خصوصی انجام می‌شود. این مساله موضوع تازویی نیست و عملیات اجرایی اگر به‌درستی سپرده شود، می‌تواند مقید باشد، چراکه شرکت‌های خصوصی تجربه و توانایی لازم را دارند و می‌توانند امکاناتی ایجاد کنند یا حتی به گمرک اجازه دهند یا خود آنها امور را انجام دهند و گمرک تنها نقش نظارتی داشته باشد. در نهایت نیز باید تأکید کرد که اصل «کار گمرکی» به‌معنای تصمیم‌گیری و تشریفات، امکان واگذاری ندارد.

در نهایت باید به این نکته اشاره کرد که به‌نظر می‌رسد اصل واگذاری بخش‌هایی از گمرک به بخش خصوصی، در ذات خود نه اقدامی نادرست است و نه لزوماً ناکارآمد، اما تجربه نشان می‌دهد که چالش‌های گمرک در ایران بیش از آنکه ناشی از متولی اجرا باشد، ریشه در نارسایی‌های نهادی، تعدد مراکز تصمیم‌گیری، ضعف هماهنگی سیاست‌های ارزی و تجاری و اجرای ناقص مقررات دارد. بنابراین اگر قرار باشد بدون اصلاح بنسترهای حکمرانی، نوساز زیرساخت‌های نظارتی، تعیین دقیق حدود مسؤولیت و بازتعریف جایگاه سیاستگذار و مجری، صرفاً تصدی بخشی از امور اجرایی جابه‌جا شود، حاصل چیزی جز بازتولید همان مشکلات پیشین در قالبی تازه نخواهد بود. واگذاری می‌تواند مکمل تغییرات باشد، اما جایگزین آن نیست، به‌ویژه در نهادهی که مساله اصلی آن ترخیص است و نه نتولی.



فعالان بخش تجاری کشور درباره اظهارات وزیر اقتصاد مبنی بر واگذاری گمرکات به بخش خصوصی می‌گویند که این موضوع مبهم است و مشخص نشده کدام بخش قابلیت واگذاری دارد.

تغییرات مکرر در مقررات عوارض صادراتی، پیمان‌سپاری ارزی و بخشنامه‌های گمرکی، عملاً امکان برنامه‌ریزی بلندمدت را از فعالان اقتصادی سلب کرده است. صادرکننده‌ای که برای حضور در بازارهای جهانی نیازمند ثبات در قواعد تجارت است، نمی‌تواند در فضایی فعالیت کند که سیاست‌ها به‌صورت ناگهانی تغییر می‌کنند و هر تصمیم جدید، هزینه تازه‌ای بر دوش تولیدکننده می‌گذارد. این بی‌ثباتی، نه‌تنها بازارهای سنتی صادرات سنگ ایران در کشورهای همسایه را تهدید کرده، بلکه مانع از ورود به بازارهای جدید نیز شده است.

افزون بر موانع مقرراتی، افزایش هزینه‌های تولید و حمل‌ونقل نیز فشار مضاعفی بر صادرکنندگان وارد کرده است. در شرایطی که رقبای اصلی ایران به بارانه‌های انرژی و دسترسی به ماشین‌آلات مدرن متکی هستند، بخش عمده‌ای از واحدهای فرآوری سنگ در کشور هنوز با ماشین‌آلات فرسوده دهه‌های گذشته فعالیت می‌کنند. این وضعیت موجب کاهش بهره‌وری، افزایش ضایعات سنگ و بالا رفتن قیمت تمام‌شده می‌شود؛ در حالی‌که بازار جهانی سنگ تزئینی روزبه‌روز رقابتی‌تر می‌شود و مشتریان به‌دنبال کیفیت بالا با قیمت پایین‌تر هستند. از سوی دیگر، محدودیت در دسترسی به انرژی پایدار و ارزان نیز به چالشی جدی برای صنایع مرتبط با سنگ بدل شده است. قطعی برق و گاز در فصل‌های اوج مصرف، سبب توقف تولید در کارخانه‌های فرآوری می‌شود و سفارش‌های صادراتی را با تأخیر مواجه می‌سازد.



پاشنه آشیل ارز ترجیحی

ادامه تخصیص ارز ترجیحی، نرخ آن به صورت نسبیّتی از نرخ ارز بازار آزاد یا نرخ ارز تجاری تعیین شود تا فاصله میان این دو نرخ در طول زمان افزایش پیدا نکند.

چرا یارانه‌های ارزی در تحقق اهداف تورمی موفق نبودند؟

تخصیص ارز با نرخی پایین‌تر از قیمت بازار می‌تواند به‌عنوان یک رانت ارزی برای مصرف‌کننده، تولیدکننده یا واسطه‌ها عمل کند. در سیاست تخصیص ارز ترجیحی به کالاهای اساسی، هدف سیاستگذاران این بود که با کاهش قیمت مواد اولیه، قیمت نهایی کالاهای اساسی برای مصرف‌کننده ثابت و یا با افزایش قیمت کمتری حفظ شود و از این طریق فشار تورمی بر خانوارها کاهش یابد.

با این حال، بررسی قیمت کالاهای مشمول ارز ترجیحی در سال‌های اخیر نشان می‌دهد که سود ناشی از این رانت به مصرف‌کننده نهایی نرسیده و حتی در برخی موارد افزایش قیمت کالاهای مشمول از ترجیحی بیشتر از رشد قیمت عموم کالاهایا بوده است. مطالعات سازمان برنامه و بودجه کشور حاکی از این است که تنها حدود ۳۰درصد اثر یارانه ارزی به مصرف‌کننده نهایی رسیده و ۷۰درصد باقی‌مانده به واردکنندگان و واسطه‌ها می‌رسد. این وضعیت علاوه بر کاهش اثرگذاری سیاست برای مصرف‌کننده، انگیزه‌ای برای برخی افراد ایجاد کرده تا به دلیل سود حاصل از رانت ارزی، به عنوان واردکننده یا واسطه وارد زنجیره تأمین و تولید کالا شوند. طولانی‌تر شدن این زنجیره، سهم مصرف‌کننده نهایی از مزایای ارز ترجیحی را کاهش داده و باعث ناکارآمدی سیاست شده است. آخرین آمارها نشان می‌دهد که از ابتدای سال جاری حدود ۹میلیارد دلار ارز برای کالاهای اساسی و دارو تخصیص یافته است، اما نابرابری تورمی همراه حاکی از افزایش ۶۵ درصدی قیمت خوراکی‌ها و آشامیدنی‌ها نسبت به مهرماه سال گذشته است.

در چنین شرایطی، کارشناسان تأکید دارند که ادامه تخصیص ارز ترجیحی، به ویژه با نرخ ثابت، نمی‌تواند در کنترل آثار تورمی بر معیشت مردم موثر باشد. راهکار پیشنهادی آنان شامل کاهش تدریجی دامنه کالاهای مشمول ارز ترجیحی و پرداخت کالابریگ با مبالغ بالاتر و هدفمند به دهک‌های درآمدی ۱ تا ۳ است تا حمایت از اقشار آسیب‌پذیر افزایش یافته و همزمان از فشار مالی تخصیص ارز ترجیحی بر بودجه دولت کاسته شود.



گرفت پرداخت ارز ترجیحی ۴۲۰۰تومانی را متوقف کند. با حذف ارز ۴۲۰۰تومانی، نرخ ارز در نیمه دوم همان سال با روندی صعودی مواجه شد. در نتیجه، دولت برای جلوگیری از افزایش دوباره قیمت کالاهای اساسی، ارز ترجیحی جدیدی با نرخ ۲۸هزار و ۵۰۰تومان تعیین کرد. هدف از این اقدام، حفظ ثبات قیمتی نسبی در بازار کالاهای ضروری و کاهش فشار تورمی بر اقشار آسیب‌پذیر بود.

با گذشت چند سال از اجرای این سیاست، اکنون شکاف قابل‌توجهی میان نرخ ارز ترجیحی و قیمت ارز در بازار آزاد مشاهده می‌شود. آخرین بررسی‌ها نشان می‌دهد که نرخ ارز در بازار آزاد به حدود ۱۰۷ هزار و ۹۰۰ تومان رسیده است؛ به این ترتیب، اختلافی نزدیک به ۸۰ هزار تومان میان نرخ ارز ترجیحی و قیمت ارز در بازار آزاد وجود دارد. با افزایش تفاوت قیمت ارز، پیامدهایی که در سال پایانی پرداخت ارز ۴۲۰۰ تومانی تجربه شد، مجدداً در حال تکرار است و به نظر می‌رسد بار مالی یارانه ارزی بر بودجه دولت بیشتر شده است. به همین دلیل، کارشناسان اقتصادی معتقدند در شرایط فعلی، تعیین نرخ ثابت به عنوان ارز ترجیحی، نمی‌تواند یک سیاست کارآمد باشد. زیرا افزایش شکاف میان قیمت ارز در بازار آزاد و نرخ ثابت ارز ترجیحی، مانند یک پاشنه آشیل عمل خواهد کرد و موجب تشدید پیامدهای منفی این سیاست می‌شود. به همین دلیل، پیشنهاد می‌شود در صورت

اعتراض دانشجویان به اینترنت طبقاتی

حقوق شهروندی است. این طرح، شکاف طبقاتی موجود در مناسبات اجتماعی را تعمیق می‌بخشد و اگر برای تمامی اقشار جامعه امکان‌ساز نباشد، مصداق سیاستی نابرابر و سلطه‌امیز خواهد بود.» شورای صنفی این دانشکده تأکید کرده است که جامعه دانشگاهی باید «در برابر هرگونه سیاست فردگستسازی و سلب امکانات از طبقات محروم بایستد» و خواستار لغو سیاست‌های تبعیض‌آمیز در دسترسی به فضای دیجیتال شده است.شورای صنفی دانشکده صنعتی شریف نیز در نامه‌ای سرگشته به وزیر علوم، اقلام این وزارتخانه را زاشمال نگران‌کننده در مسیر عدالت آموزشی و ارتباطی برابر دانسته است. در این نامه خطاب به وزیر علوم آمده است: «اگر هدف واقعا تسهیل آموزش است، چرا تمام جامعه از این تسهیل بهره‌مند نمی‌شود؟ آیا وزارتخانه‌ای که دامیه عدالت آموزشی دارد، نباید برای دسترسی آزاد دانشجویان به منابع علمی تلاش کند، نه برای محدودسازی آن؟»

در حالی‌که وزارت علوم یوتیوب را برای بیش از ۱۳ دانشگاه کشور قفیلتر کرده است، دانشجویان دو دانشگاه تهران و صنعتی شریف با انتقاد از این تصمیم، آن را اقدامی تبعیض‌آمیز و ناقض عدالت ارتباطی دانستند. دانشجویان این دو دانشگاه در بیانیه‌ها و نامه‌های جداگانه‌ای تأکید کرده‌اند که «دسترسی محدود و گزینشی به اینترنت ارائه‌نه تنها کمکی به آموزش نمی‌کند، بلکه شکاف طبقاتی و نابرابری دیجیتال را در کشور عمیق‌تر می‌سازد. شورای صنفی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران در بیانیه‌ای اعلام کرده است که رفع فیلتر یوتیوب تنها برای دانشگاه‌های خاص، «مصداق تشدید نابرابری و تبعیض ساختاری» است.

در بخشی از این بیانیه آمده است: «دسترسی محدود اقبشاری معین، مانند پرسنل دانشگاه‌ها و دانشجویان برخی دانشگاه‌های خاص، مشخصاً در جهت طبقاتی‌کردن دسترسی به بدیهی‌ترین

هفته گذشته دانشگاه تهران خطاب به دانشجویانش اعلام کرد که از این پس دسترسی به پلتفرم یوتیوب از طریق اینترنت داخلی دانشگاه بدون نیاز به فیلترشکن امکان‌پذیر است.

این خبر با انتقادهای زیادی مبنی بر اجرای گام جدیدی از اینترنت طبقاتی و ایجاد ناعدالتی در فضای دیجیتال مواجه شد. پس از این، دانشگاه تهران در بیانیه‌ای اعلام کرد که هدف از رفع فیلتر یوتیوب دسترسی به منابع آموزشی روز دنیا است. وزارت ارتباطات هم بار دیگر ه‌گونه مصوبه درباره راهاندازی «اینترنت طبقاتی» یا رفع فیلتر برخی پلتفرم‌ها در دانشگاه‌ها مطرح کرد که تاکنون هیچ تصمیم یا ابلاغیه‌ای در این زمینه صادر نشده است. با این حال اعتراض‌ها نسبت به این تصمیم همچنان ادامه دارد. روز گذشته، دو دانشگاه تهران و صنعتی شریف با انتقاد از این تصمیم، آن را اقدامی تبعیض‌آمیز و ناقض عدالت ارتباطی دانستند.

صاحب امتیاز: موسسه مطبوعاتی دانش پیام بامداد نوبین

مدیر مسئول: ابوالفضل حمیدی

چاپ: جام جم

آدرس: تهران، بلوار مرزداران، خیابان البرز ، البرزیکم، پلاک ۶

تلفن: ۰۲۱-۴۹۱۰۵۰۰۰

گستره توزیع : سراسری

شرکت توزیع : نشر گستر

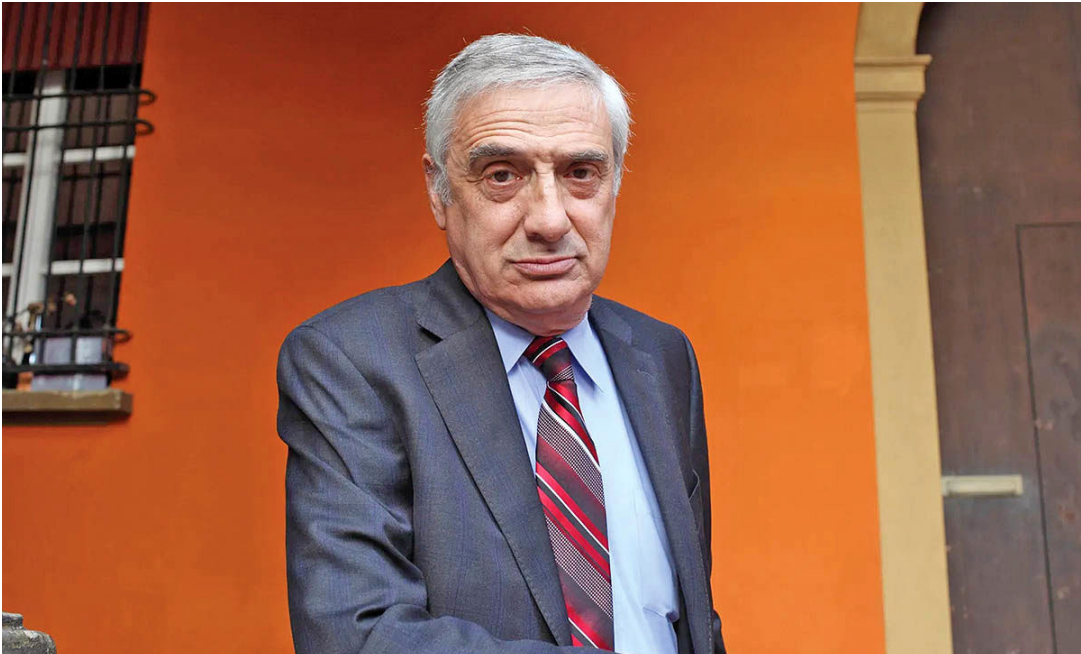
یکشنبه ۱۸ آبان آبان ماه ۱۴۰۴•شماره ۷۹۷

www.marzeghtesad.ir

روزنامه

دراقتصاد

اقتصادی-ادبیات



فیلسوف انقلاب صنعتی

مر تفضی اکبری –متن پیش رو، یادداشتی به قلم ران آبرامیتز کی (استاد اقتصاد دانشگاه استنفورد) و مائور یسیو در لیچمن (استاد دانشکده اقتصاد و نکوور، دانشگاه بریتیش کلمبیا) است.

رشد اقتصادی مدرن، شبیه‌ترین پدیده به معجزه‌ای است که علم اقتصاد می‌تواند ارائه دهد. طی دو قرن گذشته، نوآوری‌هایی که استانداردهای زندگی را ارتقا دادند، میلیاردها نفر را از فقر رهانیدند. این نوآوری‌ها تله مالتوسی را شکستند؛ تله‌ای که هزاران سال عملا تمام بشریت را در سطح معیشت حدقلی اسیر نگه داشته بود.

دینامیک‌های نهفته در گسترش پایدار درآمد سرانه، کانون توجه نظریه رشد درون‌زا است. این نظریه، توسط افرادی چون پل رومر، فیلیپ آگیون و پیتر هاویت، برندگان نوبل، توسعه‌یافته است. اما برای درک اینکه این دینامیک‌ها چگونه نخستین بار ظهور کردند و پا گرفتند، باید به سراغ آثار جوئل موکیر رفت. او در سال ۲۰۲۵، مشترکا با آگیون و هاویت، جایزه نوبل علوم اقتصادی را دریافت کرد (کمیته جایزه علوم اقتصاد به یاد آلرد نوبل ۲۰۲۵).

دگرگونی محوری در منشا رشد مدرن، انقلاب صنعتی است و موکیر را باید نظریه‌پرداز بی‌بدیل آن دانست. او در سیزده کتاب خود (که دو جلد دیگر نیز در دست انتشار است)، یک دانشنامه پنج جلدی و بیش از صد مقاله، درک ما را از تقریبا هر واقعیت و نظریه مرتبط با صنعتی‌شدن، از نو شکل داده است. دامنه کار او از مکانیک طراحی ماشین و فرآیندهای تولید تا نیروهای فکری و سیاسی که جوامع را یکسره دگرگون کردند، گسترده است.

سبک نوشتاری متمایز او، فضل و دانش ژرف را با چارچوب‌بندی نظری دقیق، به‌طرزی ماهرانه در هم می‌آمیزد. تسلط او بر دایره واژگانی و بیانی فوق‌العاده گسترده، مهارتی است که برایش جایگاهی رفیع واحترامی کم‌نظیر، هم در میان مورخان و هم در میان اقتصاددانان، به ارمغان آورده است.

ما دو تن از دانشجویان متعدد جوئل هستیم که به لطف شور و اشتیاق واگیردار او به تاریخ اقتصادی و سبک راهنمایی الهام‌بخش و سخاوتمندانه‌اش، به مورخان اقتصادی بدل شدیم. بی‌آنکه مدعی باشیم می‌توانیم حق مطلب را درباره کارنامه‌ای با این گستره و اثرگذاری ادا کنیم، در اینجا نقاط عطف کلیدی آن را مرور می‌کنیم.

انقلاب صنعتی

کمیته نوبل، سهم اصلی موکیر را شناسایی پیش‌نیازهای رشد پایدار از طریق پیشرفت فناوریانه خلاصه کرد. این دستاورد در یک اثر واحد محقق نشد، بلکه ماحصل روایتی تدریجی و موشکافانه از فرآیندهای پیرامون ظهور انقلاب صنعتی بود که در پنج کتاب اساسی متبلور شد.

این مسیر، مسلمانا با اهرم ثروت (۱۹۹۰) آغاز می‌شود؛ کاوشی همه‌جانبه در زیر و بم فنی و مکانیکی تغییرات فناوریانه. کتاب بر بینشی بنیادین استوار بود. فناوری اغلب فقط به صورت غیرمستقیم اندازه‌گیری می‌شد. روش شناسی رایج منابع رشد، تغییر فناوریانه را یک جعبه سیاه می‌دانست و آن را به عنوان باقیمانده برآورد می‌کرد؛ یعنی آن بخش از رشد اقتصادی که با ورودی‌های فیزیکی مانند سرمایه و نیروی کار قابل توضیح نبود. موکیر این جعبه سیاه را با رویکردی ایجابی گشود. او اختراعات بزرگ از یونان و روم باستان به بعد را ردیابی و نقش آنها را در تسهیل رشد ارزیابی کرد.

موکیر بر پایه کالبدشکافی دقیق و شگفت‌انگیز اختراعات کلیدی عصر صنعتی،

چرا بهبود به پایتخت برنگشت؟

نقشی بوده که در فیلم‌نامه نوشته شده و او را به یک دیو

باهوش‌ترین، کاربلدترین و بازیگرترین افرادی است که سنن در زندگی دیده‌ام. او بسیار بازیگر خوب و بادرکی

این بازیگر سینما و تلویزیون در گفت‌وگویی که اخیرا

است و دلیل این امر جایگاهی است که از مسیر دغذغه‌ها،

مهران احمدی، بازیگر نقش بهبود در سریال «پایتخت»،

در فضای مجازی منتشر شده است درباره «پایتخت» و

مسائل، مشکلات، دیدگاه‌ها و گستره وسیع تجربیات به

درباره غیبتش در این سریال عنوان کرد که مساله اصلی‌اش

همکاری با این سریال گفت: «محسن تابنده یکی از آن رسیده است.»



سختاوت جوئل
نسبت به
دانشجویانست و
همچنین دوستان
و همکاران
دانشگاهی و
پژوهشگران
جوانی که آنان را
چون شاگردان
خود، حمایت
می‌کرد.

مانع از آن نوع باروری متقابلی می‌شد که می‌توانست به پیشرفت سریع‌تر بینجامد.

در مقابل، مشخصه عصر صنعتی، وجود حلقه‌های بازخورد مثبت میان گزارش‌های و تجویزی، و افزایش ارتباط میان اهل نظر و اهل عمل است که به پیشرفت علمی و فنی پایدار انجامید. به نوشته موکیر، چنین چرخه مطلوبی در روزگاران گذشته که مهندسی بدون مکانیک، آهن‌سازی بدون متالورژی، کشاورزی بدون شیمی آلی، و طبابت بدون میکروبیولوژی وجود داشت، ناممکن بود. او نتیجه می‌گیرد که محرک‌های اصلی انقلاب صنعتی، روشنگری صنعتی قرن هجدهم و انقلاب علمی قرن هفدهم بودند.

دگرگونی فرهنگی

چرا این دگرگونی‌های فناوریانه و فکری، که چنین نقشی محوری در صنعتی‌شدن داشتند، در اروپا رخ دادند و نه در جایی دیگر؟ موکیر در اقتصاد روشنگری (۲۰۰۹) این استدلال را پیش می‌کشد که ریشه‌های دیرین مدرنیته اقتصادی را نه در انباشت سرمایه، نه در برخورداری از منابع و نه در گشایش مسیرهای تجاری، بلکه باید در یک دگرگونی فرهنگی مبتنی بر خرد و کشف علمی جست‌وجو کرد. روشنگری اسکاتلند این ایده‌ها را القا کرد که طبیعت قابل شناختن و تسخیر است و می‌توان قوانین آن را از طریق پژوهش علمی روشن ساخت. همزمان، تکثیر انجمن‌های علمی، نشریات و شبکه‌های فکری غیررسمی، گسترش دانش عملی را تقویت کرد و میان علم والا و پیشه‌وری عامیانه پیوند برقرار کرد.

اختراع به این دلیل رخ نداد که اروپاییان خلاق‌تر از دیگران بودند. بلکه آنها چارچوبی نظام‌مند ساختند که به ایشان امکان می‌داد هم طبیعت را بفهمند و هم آن را برای مقاصد اقتصادی مهار کنند. چارچوب سیاسی بریتانیا امنیت و گشودگی را فراهم می‌کرد. این نظام، در قیاس با رژیم‌های قاره اروپا، نسبت به دیدگاه‌های مخالف بردبارتر بود، کمتر به سانسور دست می‌زد و از قانون ثبت اختراع و زیرساخت‌ها حمایت می‌کرد. مزایای آن، فوری را به‌طور یکسان توزیع‌شده نبودند، اما این چشم‌انداز نوین نوآوری، پایدار از آب درآمد و بنیان‌های رشد مدرن را پی‌ریزی کرد.

انگلستان به تنهایی صنعتی نشد. بسیاری از نوآوری‌های دگرگون‌ساز که نیروبخش خیزش آن بودند، از قاره اروپا می‌آمدند. خود روش علمی، نخستین‌بار توسط گالیله صورت‌بندی شد و بسیاری از پیشرفت‌ها در ریاضیات، شیمی و فیزیک که بعدا در ماشین‌های صنعتی به کار رفتند، از فرانسه، آلمان و دیگر نقاط سرچشمه گرفتند. نکته مهم اما اینجاست که در محیط فرهنگی و نهادی بریتانیا بود که آن ایده‌ها در هم آمیختند و به یک موتور رشد واقعی بدل شدند.

شبکه‌های خلق و انتشار دانش

چرا چنین دگرگونی در اروپا ممکن شد؟ موکیر در فرهنگ رشد (۲۰۱۶)، دو عنصر را برجسته می‌سازد.

نخست، ظهور شبکه‌های سراسری اروپایی برای خلق و انتشار دانش بود. از قرون وسطی، تاسیس دانشگاه‌ها نهادهایی نسبتا منحصربه‌فرد را به اروپا بخشید که در نهایت، در پیشبرد توسعه فکری آن تخصصی یافتند. اگرچه این دانشگاه‌ها در ابتدا ریشه در مطالعه الهیات، حقوق و طبابت داشتند، اما به طور فزاینده‌ای توجه خود را به پیگیری و حفظ دانش گزارش‌های معطوف کردند و در این فرآیند، زبان لاتین را به عنوان زبان میانی تثبیت کردند.

اختراع ماشین چاپ نیز نیروی محرکه مضاعفی بود که هزینه‌های مدون‌سازی و به گردش درآوردن آن دانش را کاهش داد. این فرهنگ نوین گفت‌وگوی باز و اشتراک‌گذاری ایده‌های علمی، شاید به بهترین شکل در تبدلات پرشور جمهوری نامه‌ها تجسم یافت؛ یک جامعه حقیقتا فراملی از دانشمندان و صنعتگران که راه را برای روشنگری هموار کرد.

عصر دوم، پراکندگی سیاسی اروپا بود. این ویژگی، توانایی محرک‌های اقتدارگرا را برای سرکوب ایده‌هایی که ممکن بود قدرتشان را تهدید کنند، تضعیف می‌کرد. روشنفکران به‌راحتی می‌توانستند از مرزها عبور کنند و هرگاه فضا در مکانی خاص برای ایده‌هایشان نامساعد می‌شد، در جست‌وجوی حامی جدیدی برآیند.

اروپا همچنین از این شانس برخوردار بود که از منظر تراکم و تنوع نظام‌های سیاسی خود، در یک منطقه طلایی (حد بهینه) قرار گیرد. درحالی‌که یکپارچگی سفت و سخت سیاسی در چین، تغییرات فناوریانه را سرکوب و حتی گاهی معکوس می‌کرد، پراکندگی شدید جهان اسلام پس از فروپاشی خلافت بغداد نیز مانع از بازسازی شبکه‌ای شد که بتواند به طور موثر دانشمندان و نوآوران را به هم متصل سازد. کتاب بنوری موکیر، دو مسیر به سوی رفاه: فرهنگ و نهادها در اروپا و چین، ۱۰۰۰-۲۰۰۰ که مشترکا با آونر گرایف و گیدو تالیلینی نوشته شده، کاوش عمیق‌تری در این چشم‌انداز تطبیقی ارائه خواهد داد.

روشن ساختن مسیر صنعتی‌شدن و پیشرفت

می‌توان کارنامه علمی جوئل موکیر را در مجموع، چونان مسیری دید که تمام جنبه‌های مسیر تاریخی صنعتی‌شدن را روشن می‌سازد؛ این مسیر، از سنگ‌بناهای اولیه آن در حوزه نوآوری‌های ملموس و تاثیرات بخشی، تا نظریه‌ای فراگیر درباره زیربناهای فناوریانه، فکری و فرهنگی آن را دربرمی‌گیرد. پیام او نیز به همان اندازه ژرف و نافذ است. پیشرفت اقتصادی وابستگی حیاتی به کاوش فکری باز، تبادل آزاد ایده‌ها و دفاع سرسخانه از اصول علمی دارد. جایزه نوبل، در زمانی که چنین اصولی به طور فزاینده‌ای مورد هجوم قرار گرفته‌اند، به ما یادآوری می‌کند که کنجکاوی، کثرت‌گرایی و همکاری فکری، همان چیزهایی هستند که جوامع ثروتمند را پدید آوردند و عقب‌نشینی از آن‌ها، تمام مزایای رشد پایدار را به خطر می‌اندازد.

فراتر از نوشته‌هایش، موکیر در نقش‌های گوناگونی به این حرفه خدمت کرده است، از جمله به عنوان رئیس انجمن تاریخ اقتصادی. در دانشگاه نورث‌وسترن، مرکز تاریخ اقتصادی که او یکی از مدیران بنیان‌گذار آن است، یک حوزه مطالعاتی اغلب نادیده گرفته‌شده را به ستونی پویا در حیات علمی بدل کرده است.

شاید عمیق‌ترین تاثیر جوئل از طریق بیش از ۶۰ دانشجوی دکتری او بوده باشد که بسیاری از آنها خود به رهبران فکری تبدیل شده‌اند. خبر جایزه نوبل، او شادی وصف‌ناپذیری را برای ده‌ها تن از آنان که در سراسر جهان پراکندهند.

عکس نوشت



کارتون



نقشی بوده که در فیلم‌نامه نوشته شده و او را به یک دیو

باهوش‌ترین، کاربلدترین و بازیگرترین افرادی است که

سنن در زندگی دیده‌ام. او بسیار بازیگر خوب و بادرکی

این بازیگر سینما و تلویزیون در گفت‌وگویی که اخیرا

است و دلیل این امر جایگاهی است که از مسیر دغذغه‌ها،

مهران احمدی، بازیگر نقش بهبود در سریال «پایتخت»،

در فضای مجازی منتشر شده است درباره «پایتخت» و

مسائل، مشکلات، دیدگاه‌ها و گستره وسیع تجربیات به

درباره غیبتش در این سریال عنوان کرد که مساله اصلی‌اش

همکاری با این سریال گفت: «محسن تابنده یکی از آن رسیده است.»

منسخه ایرانی تئاترهای معروف لندن

نمایش موزیکال «الیور تویست» به

کارگردانی حسین پارسایی میزبان بیش از

۷۰هزار مخاطب شد تا یک بار دیگر این تکت

به اثبات برسد که مردم حتی در شرایط سخت

اقتصادی هم حاضرند به تماشای یک اثر موفق

بنشینند. اجرای چندباره این نمایش در ایران

یادآور اجراهای تاریخی چند نمایش مشهور

در دنیاست.

«تله موش» اثر معمایی و مهم آگاتا کریستی

که به‌عنوان پراجراترین نمایش‌نامه جهان

شناخته می‌شود، بیش از ۷۰ سال است که هر

شب در لندن روی صحنه می‌رود و از آن به

عنوان یکی از جاذبه‌های مهم لندن نام می‌برند و

گردشگران سعی می‌کنند تا آنجا که مقدور است

تماشای آن را از دست ندهند. «تله موش» اولین

بار سسال ۱۹۵۲ در وست‌اند لندن روی صحنه

رفت و تا زمانی که کووید تناترها را به تعطیلی

کشاند، بی‌وقفه در حال اجرا بود و بعد از دوران

کرونا دوباره اجراهایش را شروع کرد.

نمایش موزیکال «بنیوان» نوشته ویکتور

هوگو هم از آن دسته کارهایی است که چند

دهه است در حال اجراست و همچنان مخاطبان

زیادی را جذب می‌کند. این نمایش قرار است

چهلمین سالال اجرایش در «وست اند» را در

روزهای آینده جشن بگیرد.

همچنین نمایش موزیکال «شیخ ایرا» سال

۱۹۸۶ در وست‌اند روی صحنه رفت و در سال

۱۹۸۸ در تاتنتر برادوی به اجرا درآمد و رکورد

طلولانی‌ترین زمان روی صحنه بودن در برادوی

را به خود اختصاص داده است.

حالا بعد از سال‌ها به نظر می‌رسد در ایران

هم اتفاقات فرهنگی مهمی افتاده که می‌تواند

چنین وضعیتی را در تئاتر به وجود بیاورد و

مثلا شهرهای گردشگرپذیر هم هویت فرهنگی

خاص پیدا کنند. هرچند این مساله به سازوکار

و تبلیغ قبیل توجه نیاز دارد اما امکان وقوع آن

دور از تصور نیست. در سال‌های اخیر با توسعه

سالن‌های خصوصی در ایران تئاتر دوران جدیدی

را آغاز کرد و روزانه آثار زیادی در تهران و سایر

شهرستان‌ها روی صحنه می‌روند که در این میان

برخی با اقبال روبه‌رو می‌شوند و برخی نیز در

گیشه شکست می‌خورند.

در این وضعیت برخی نمایش‌ها در سالن‌های

مختلف اجرا شده‌اند و هر بار هم توانسته‌اند در

جذب مخاطب موفق عمل کنند. «الیور تویست»

یکی از همان‌هاست و شاید بتوان از آن به عنوان

نسخه ایرانی نمایش‌هایی همچون «شیخ ایرا» و

«بنیوان» یاد کرد.

رمان مطرح چارلز دیکنز از زمان نگارش

تاکنون بارها و بارها مرجع اقتباس آثار نمایشی

بوده است. از زمانی که سینما وجود خارجی

نداشت در نمایش‌ها همیشه پای ثابت قصه‌های

محبوب بود تا بعدتر که سینما آمد و در این

مدیوم هم بارها ساخته شد و مورد اقبال

تماشائگران قرار گرفت. اتفاق جالب، اما زمانی

رخ داد که دوازده سال پس از «الیور تویست»

مشهور به کارگردانی دیوید لین، آنگه‌ساز شهیر

انگلیسی که دستی بر قلم داشت تصمیم گرفت

نسخه موزیکالی از اثر جوادانه دیکنز آماده کند

و به این ترتیب لیونل بارت در سال ۱۹۶۰نسخه

موزیکال «الیور تویست» را ارائه داد و نام آن را

«الیور» گذاشت. هشت سال پس از انتشار این

اثر کارول رود بر اساس نسخه و با همین

نام قبلمی موزیکال ساخت که در اسنکار آن نبال

هم مورد توجه قرار گرفت.

حسین پارسایی برای اولین تجربه موزیکالش

در تاتنتر همین فیلم «الیور» را منبع قرار داد و

به این ترتیب برگردان موزیکال بارت از شاهکار

دیکنز با بازی ستاره‌ها را با تمرین‌های طولانی

در سال ۱۳۹۶روی سن تالار وحدت برد که با

اقبال گسترده روبه‌رو شد و سپس چند بار دیگر

هم در این سال‌ها به اجرا درآمد.

حالا این نمایش با بازتولید کامل و بازطراحی

نوبن بخش‌های مختلف و دراماتورژی محمدرضا

کوهستانی روی صحنه رفته و هزاران مخاطب را

ظرف چند روز برای تماشا راهی باشگاه انقلاب

کرده است. گروه تولید و کارگردانی این اثر

اعلام کرده‌اند این نسخه درحالی‌که وفادار به

متن اصلی و تریب نمایش سال ۱۲۹۶ باقی

ماند، ولی در نمایش‌نامه و چند ترانه با تاکید بر

دغذغه‌ها و نابرابری‌های اجتماعی و واقعیت‌های

تلخ زندگی انسان تغییرات جزئی داشته و از نظر

طراحی‌های هنری تفاوت‌های چشم‌گیری با

اجرای پیشین دارد.

براساس گزارش‌ها این نمایش در هفته‌های

اخیر روزانه میزبان حدود ۶هزار مخاطب است

و به دلیل استقبال مخاطبان برای روزهای ۲۱،

۲۲ و ۲۳ آبان‌ماه ۱۴۰۴ تمدید هم شده است.

آنچه در این نمایش مورد استقبال قرار گرفته

بداهه‌گویی‌های هونن شکبیا در نقش شخصیت

«فاکین» است و انتشار بخشی از این ویدئوها

در فضای مجازی موج بزرگی راه انداخته است.

این بازیگر در بخش‌هایی از نمایش با تذکر

منوع بودن تصویربرداری از نمایش، به صورتی

طنزآمیز با برخی تماشاگران معاشرت‌هایی دارد

که به شکلی عجیب، در فضای مجازی پربیننده

شده است.

هوتن شکبیا، بهنوش طباطبایی، بابیناپال

شومون، امیرکاوه آهنین‌جان، با حضور سیامک

انصاری و کاظم سیاحی ایفاگر نقش‌های اصلی

این نمایش هستند.